

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران؛ با تأکید بر انتظارات دولت

شهربانو خشکاب*

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۳	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳	شماره صفحه: ۴۴۵-۴۹۵
-------------------	-------------------------	-------------------------	---------------------

آموزش عالی در جوامع، نهاد بسیار مهمی را تشکیل می‌دهد، نه تنها به لحاظ اینکه تربیت نخبگان را برعهده دارد و مبنایی را برای جامعه‌ای برخوردار از فناوری مهیا می‌سازد، بلکه از این منظر که مهم‌ترین نهاد فکری است که تأثیر بسیار گسترده‌ای بر فرهنگ و امور سیاسی دارد. هدف پژوهش، شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت بود که به روش کیفی و با استفاده از رویکرد فراترکیب انجام شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات منابع اسنادی و جامعه آماری تمام منابع علمی معتبر منتشر شده داخلی مرتبط با موضوع پژوهش برای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ بودند. روش نمونه‌گیری پژوهش، هدفمند و براساس ابزار برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی بوده و برای گردآوری و تحلیل داده‌ها از الگوی هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و بروسو^۱ (۲۰۰۷) استفاده شد. دستاورد پژوهش شناسایی و مقوله‌بندی پنج مؤلفه اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت شامل؛ توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار بود. همچنین براساس نتایج آزمون آنتروپی شانون مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار، توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی در مطالعات داخلی از اولویت اول تا پنجم برخوردار بودند. در پایان، مبنی بر دستاوردهای پژوهش پیشنهادهای مقتضی ارائه شد.

کلیدواژه‌ها: آموزش عالی؛ مبانی سیاسی - اجتماعی؛ فراترکیب؛ آنتروپی شانون

* دکتری اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران؛

Email: khoshkab.sh@gmail.com

1. Sandelowski and Barroso

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2022.5402.5163

مقدمه

به زعم فوکو سیاست^۱ کوشش برای شرکت در قدرت یا کوشش برای نفوذ در تخصیص قدرت چه در میان دولت‌ها و چه در میان گروه در یک دولت است. از سویی، قدرت عملی است که موجب تغییر یا جهت‌دهی (راهبری) رفتار دیگران می‌شود (نظری، بشیری گیوی و جنتی، ۱۳۹۲). فوکو با استفاده از مفهوم تبارشناسی به بررسی رابطه قدرت، دانش و حقیقت می‌پردازد (قادری، ۱۳۹۰) و معتقد است قدرت را نباید به نهادهای سیاسی محدود کرد، قدرت در تمام جامعه جاری است و نقشی مستقیماً مولد ایفا می‌کند. به نظر او دانش عمیقاً با روابط قدرت درآمیخته و هم‌پای پیشرفت در اعمال قدرت پیش می‌رود. به عبارت دیگر، هر جا قدرت اعمال شود، دانش نیز تولید می‌شود. از این منظر، علوم انسانی درون شبکه روابط قدرت شکل گرفته‌اند و در مقابل، خود به پیشبرد تکنولوژی‌های قدرت یاری می‌رسانند. در واقع کوشش فوکو معطوف به روابط متقابل قدرت و دانش است (فتاحی، ۱۳۸۷: ۶۷) وی معتقد است، هیچ رابطه قدرتی را نمی‌توان تصور کرد که قرین حوزه‌ای از دانش نباشد و هیچ دانشی هم نیست که متضمن روابط قدرت نباشد.

دانشگاه‌ها و مراکز علمی و آموزشی به دلیل نقش علمی و پیشرو آنها به عنوان نهاد پرچم‌دار رشد و توسعه علمی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع بشری، از آغاز شکل‌گیری از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند، از این رو سیاست‌های آنها همواره مورد توجه خاص دولت‌ها و ملت‌ها بوده است (قادری، ۱۳۹۰: ۱). نهادهای سیاستگذار در حوزه آموزش عالی نیز در تلاشند تا با برقراری مکانیسم‌های سیاستی و حمایتی، تدوین اهداف سیاستی در حوزه نظام آموزش عالی و شناساندن گروه‌های مشخص مورد هدف در اهداف سیاستی، فرایند توسعه پایدار کشور بهبود و عملکردها

را افزایش دهند (قاضی‌نوری و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۲-۷۱). این ارتباط پایدار بین نظام آموزش عالی و نهاد سیاست را آلتباخ^۱ (۱۹۸۷) این‌گونه مورد تأکید قرار داده است که آموزش عالی در جهان سوم نهاد بسیار مهمی را تشکیل می‌دهد، نه تنها به لحاظ اینکه تربیت نخبگان را برعهده دارد و مبنایی را برای جامعه‌ای برخوردار از تکنولوژی مهیا می‌سازد بلکه از این منظر که مهم‌ترین نهاد فکری است که تأثیر بسیار گسترده‌ای بر فرهنگ و امور سیاسی دارد (سلطانی، ۱۳۹۰: ۶).

فوکو معتقد است، عوامل گوناگونی در فضایی همچون دانشگاه برای تحلیل کارکرد قدرت وجود دارند که این عوامل از نوع روابط، دانش، آزادی، مقاومت، رابطه و نظایر آن قابل استنباط هستند (تاجیک، ۱۳۸۶؛ به نقل از مرادی، ۱۳۹۴: ۱۷۰). فرض اصلی این است که فضای دانشگاه به مثابه ساخت قدرت دارای نشانه‌های سخت‌افزاری همچون معماری، پراکندگی فضا، اشغال مکان، میزان ساخت‌وساز و آرایش فضا، تفکیک رشته‌ها و دانشکده‌ها، شیوه فرم‌دهی کلاس‌ها، ستون‌ها و مواردی از این قبیل است که می‌تواند در ساخت قدرت اثرگذار باشد. همچنین مناسبات نرم‌افزاری مانند روابط استادان و دانش‌جویان، زبان بدن و روابط بوروکراتیک منشأ قدرت هستند. با اتکا به دیدگاه فوکو در خصوص رابطه دانش و قدرت، زمینه تأثیر متقابل نهاد آموزش عالی و سیاست در تحقق اهداف ملی، توجیهی منطقی و مستدل است. بدین ترتیب، آموزش عالی در چارچوب کارکردهای آموزشی و پژوهشی و همچنین خدماتی خود، فرصت تحقق اهداف نهاد سیاست را در راستای دستیابی به مشروعیت، قدرت و پایداری فراهم می‌سازد و ازسویی نهاد سیاست نیز بر حمایت از آموزش عالی و پیشبرد اهداف و توسعه آن تأثیر قابل ملاحظه‌ای می‌گذارد (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

با عنایت به تبیین فوق از تعامل دوسویه نظام آموزش عالی و نهاد سیاست

(دولت) آشکار است که حمایت نهاد سیاست از آموزش عالی منوط به میزان حصول موفقیت نظام آموزش عالی در تحقق اهداف نهاد سیاست و دستیابی به مشروعیت، قدرت و پایداری آن است. بنابراین شناسایی و آگاهی از ابعاد و وجوه متنوع برنامه‌ها و فعالیت‌های مورد انتظار نهاد سیاست از نظام آموزش عالی و چگونگی (کمیت و کیفیت) برنامه‌ریزی‌های راهبردی مؤثر برای تحقق، توسعه و پیشبرد این امور با هدف کسب حمایت‌های مادی و معنوی دولت از نظام آموزش عالی، می‌تواند یک چالش و بلکه یک مسئله محوری، برای نظام‌های آموزش عالی باشد. در این راستا، پژوهش حاضر سعی کرده است به این سؤال اساسی پاسخ دهد که الگوی مناسب برای شناسایی و درک چیستی و ماهیت ابعاد و سطوح مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی که بتواند نقشه راه مؤثری را برای تصمیمات و برنامه‌ریزی‌های سیاستگذاران و مدیران نظام آموزش عالی و جهت‌دهی تلاش‌های علمی سازمان‌یافته و منسجم آنها هم‌راستا با انتظارات دولت، فراهم سازد، کدام است؟ به‌منظور پاسخگویی به سؤال کلی پژوهش، سؤال‌های جزئی ذیل دنبال شده‌اند:

۱. وجوه و ابعاد متنوع مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت کدامند؟
۲. مؤلفه‌های اصلی و سطوح مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت کدامند؟
۳. الگوی پیشنهادی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت کدام است؟

در ادامه پژوهش و به‌منظور پاسخگویی به مسئله محوری و سؤال‌های اصلی پژوهش، چهار گام اساسی انجام شده است. در گام نخست، مبانی و ادبیات نظری متعارف مرتبط با موضوع پژوهش ارائه شده است. سپس به روش‌شناسی، بیان نتایج و

دستاوردهای پژوهش و ارائه الگوی پژوهش پرداخته شده است. در نهایت نتیجه‌گیری و مبتنی بر دستاوردهای پژوهش پیشنهادهای مقتضی ارائه شده است.

۱. مبانی نظری

به‌طور کلی، می‌توان گفت سیاست در دو معنای کلی به کار می‌رود؛ یکی به معنای علم اداره کردن دولت و دیگری که خاص‌تر از آن است در سیاست‌گذاری سازمانی و عمومی استعمال می‌شود (هاشمیان و خلیلی، ۱۳۹۲: ۸-۷). براساس تعریف فوق، مبانی سیاسی آموزش عالی در چارچوب مفهوم خاص آن یعنی سیاست‌گذاری نظام آموزش عالی مصداق می‌یابد. علم سیاست‌گذاری به مطالعه سیاست‌ها و عملکردهای مشخص دولت در زمینه‌های گوناگونی چون سیاست آموزش و پژوهش، بهداشت و کشاورزی همچنین زیرمجموعه‌های گوناگون هر یک از این موارد می‌پردازد. این علم می‌کوشد شناخت عملی ما را در سیاست‌های بخش عمومی گسترش دهد و دخالت‌های دولتی را در امور جامعه باز شناسد (نادری، نوروزی و سیادت، ۱۳۹۵: ۲۰). بنابراین سیاست دارای وجه تعمدی است که برای تحقق یک مقصود معین و روشن طراحی شده که دربردارنده تصمیمات و نتایج آن است؛ دارای ساختار و سابقه است؛ ماهیتاً وجه سیاسی دارد؛ پویا و ابزاری است که با آن می‌توان هدف‌های تعیین شده را تحقق بخشید (آهن‌چیان، ۱۳۹۱: ۷۴).

بورديو نیز در بسط دیدگاه نظری کلی خود «جامعه‌شناسی علم» بر مفاهیمی چون میدان، سرمایه و قدرت تأکید دارد (فرهمنند، ۱۳۹۲: ۶۰). بنا به تعریف بورديو، میدان عرصه‌ای اجتماعی است که مبارزه‌ها یا تکاپوها بر سر منابع و منافع معین و دسترسی به آنها صورت می‌پذیرد (شریعتی و وطن‌خواه، ۱۳۹۲: ۲۴۳). میدان‌های مختلف موجود در جامعه، در حال تأثیرگذاری متقابل بر یکدیگر خواهند بود و

درحقیقت بین آنها نوعی کشمکش وجود دارد، در این بین میدان قدرت را باید میدان اصلی یا غالب در هر جامعه تلقی کرد. درواقع میدان قدرت، مهم‌ترین میدان است که بر همه اثر می‌گذارد و به عبارتی نوعی فرامیدان است. میدان قدرت با میدان دولت و سیاست منطبق نیست، بلکه میدان دولت میدان دیگری است که درون میدان قدرت قرار گرفته و سرمایه دولتی، مهم‌ترین سرمایه آن است (پیربابایی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۴: ۷۶). در این میدان، نظام ساخت‌یافته موقعیت‌هایی است که افراد یا نهادها اشغال می‌کنند و ماهیت آن تعیین‌کننده وضعیت برای دارندگان این موقعیت‌هاست (شریعتی و وطن‌خواه، ۱۳۹۲: ۲۴۳).

بورديو استدلال می‌کند ما می‌توانیم دستاوردهای علمی را به‌مثابه پیامد تعاملات متقابل در یک میدان درک کنیم و بشناسیم. به‌نظر وی میدان‌ها به‌معنای حوزه‌های تولید، گردش و تخصیص کالاها، خدمات، دانش یا منزلت و موقعیت‌های رقابتی هستند. در این راستا میدان علمی، فضایی تعاملی یا یک ساختار روابطی است که راهکارها و عملکردهای مربوط به افراد علاقه‌مند به مشارکت را تعیین می‌کند و اصولاً تا حدود زیادی از خودمختاری یا استقلال از محیط بیرونی برخوردار است. این میدان به‌دلیل توانایی‌اش برای کنترل، استخدام، جامعه‌پذیری، تخصص‌کنشگران و تحمیل ایدئولوژی خاص، بسیار خودمختار است. درواقع، از نظر بورديو، اقتدار علمی نوع خاصی از سرمایه است که قابل‌انباشت، انتقال و حتی قابل‌تغییر به نوع دیگری از سرمایه تحت شرایطی خاص است که به کنشگر امکان می‌دهد دستاوردهای چشمگیری را ارائه دهد (فرهمند، ۱۳۹۲: ۵۹).

با توجه به دیدگاه بورديو، میدان علمی نهاد آموزش عالی با بهره‌مندی از فضای تعاملی و ساختار روابطی، زمینه تعامل با حوزه‌های مختلف اجتماع از جمله نهاد سیاست و دولت را برای تحقق اهداف ملی و به‌صورت متقابل، تحقق اهداف خود دارد. به‌رغم پتانسیل و

قابلیت رابطه تعاملی و پویایی که آموزش عالی می‌تواند با نهادهای اجتماعی در جهت نوسازی و توسعه اجتماعی در سطوح مختلف داشته باشد، گاه نهادهای آموزشی عملاً همان ساخت سنتی توزیع سرمایه فرهنگی را رعایت کرده و نظام پیشین را بازتولید می‌کنند (شریعتی و وطن‌خواه، ۱۳۹۲: ۲۴۵). با این وصف، آنچه می‌تواند میدان قدرت نظام آموزش عالی را از تله بازتولید سرمایه علمی و فرهنگی سنتی رها سازد، استمداد جستن از مبانی و اصول نظری متعدد و متنوعی است که گستره جامعی از پیچیدگی‌ها، ابعاد و وجوه شکل‌گیری و توسعه سرمایه انسانی، اجتماعی و فرهنگی را در بستر میدان سیاست پوشش دهد. همچنین در نظریه دمکراتیک^۱ (سال ۱۹۸۴) تأکید شده بر آموزش شهروندی و ارتقا و دفاع از منافع شخصی و آزادی‌های فردی، جهت‌گیری رفتار شهروندی شامل وابستگی متقابل افراد جامعه به نظم دمکراتیک، ایجاد انگیزه برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مدنی و گفتمان در مورد موضوع‌های عمومی که در نهایت عمل دمکراتیک را محقق می‌سازد. در همین راستا، طرفداران نظریه دمکراتیک معتقدند، دولت‌ها باید نسبت به تعلیم و تربیت و بالا بردن سطح آگاهی همه بخش‌های جامعه به‌منظور ایجاد محیطی آرام همراه با احترام به حقوق بشر و تنوع‌های فرهنگی و ارزشی و تقویت چنین اقدام‌هایی در میان افراد جوان جامعه اهتمام لازم را داشته باشند. در واقع آنها معتقدند، آماده کردن افراد جوان جامعه برای مشارکت متعهدانه و مبتنی بر احترام به حقوق بشر، برابری، عدالت و کثرت‌گرایی، مستلزم آموزش اصول دمکراتیک است (Osler and Starkey, 2006: 341).

نظریه پردازان نظریه کارکردگرایی ساختاری^۲ از جمله پارسونز (۱۹۳۰) رویکرد جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی را با تأکید بر چهار کارکرد: حفظ و نگاهداری

1. Democratic Theory

2. Structural Functionalism Theory

الگو، دستیابی به هدف، تطبیق یا سازواری و یکپارچگی مورد توجه قرار داده است. کارکردهایی که هر جامعه‌ای برای بقا و تداوم حیات خود ناگزیر از انجام دادن آنهاست و شرط اساسی تداوم نظام نیز محسوب می‌شوند. بر این اساس، هر جامعه‌ای می‌کوشد تا از طریق جامعه‌پذیری فرهنگی، گرایش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی را به‌منظور حفظ و نگاهداری کل نظام اجتماعی به نسل‌های بعد منتقل سازد (خواجه سروی، ۱۳۷۸: ۲۹۳). از سوی دیگر، اعتماد اجتماعی افراد بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأیید شده آنها نسبت به یکدیگر و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی‌شان در چارچوب نظریه اعتماد اجتماعی^۱ به‌عنوان بخشی از نشانگان فرهنگی پایدار، به بقای دموکراسی و تحقق سیاست‌ها و انتظارات میدان قدرت سیاست از مسیر نظام‌های آموزش عالی کمک می‌کند (امام جمعه‌زاده و مرنندی، ۱۳۹۱: ۷).

همچنین از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اواسط دهه ۱۹۶۰، در چارچوب نظریه نوسازی^۲ (موسوی‌نژاد و اکوانی، ۱۳۹۲) و با عنایت به ظهور تقاضاهای جدید در بستر مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر در فرایند نوسازی و توسعه سیاسی، برخورداری نظام سیاسی از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت عملکردها و برنامه‌های نهادهای اثرگذار در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و نیز افزایش مشارکت و توسعه سیاسی (نظری، بشیری گیوی و جنتی، ۱۳۹۲: ۱۴۰) تأکید شد. توان پاسخگویی به تقاضاها به‌ویژه در شرایط نوظهور، مستلزم توانایی نظام‌ها و نهادها در تأمین منابع است و دانشگاه‌ها نیز همچون سایر نهادهای اجتماعی در محیط‌های واقعی باید نسبت به آحاد جامعه و نیازهای آنها پاسخگو باشند. بنابراین با استناد به نظریه وابستگی منابع^۳ در سال

1. Theory of Social Trust

2. Modernization Theory

3. Resource Dependence Theory

۱۹۷۰، استقلال دانشگاه‌ها با پیش‌فرض فعالیت مستقل و مبتنی بر معیارها و قوانین خودشان بدون اتکا به حمایت‌های بیرونی، تا حد قابل‌ملاحظه‌ای نقض می‌شود. براساس این نظریه، پیشنهاد محوری این است که دانشگاه‌ها از رویکردهای مختلف برای مدیریت وابستگی منابع خود و دستیابی به استقلال بیشتر در جهت کاهش عدم اطمینان از جریان تأمین منابع محیطی عمل کنند که البته این شیوه استقلال دانشگاه به معنای عدم کنترل دولت بر دانشگاه‌ها نیست، بلکه هدف افزایش قابلیت پاسخگویی دانشگاه‌ها به طیف گسترده و متنوع نیازهای جامعه در چارچوب یک ساختار حمایتی ازسوی دولت‌هاست (Okai and Worlu, 2014: 198).

۲. پیشینه پژوهش

از دهه‌های اخیر، تلاش‌های علمی بسیاری در خصوص کارکردهای نظام‌های آموزش عالی با هدف پاسخگویی به سیاست‌ها و تقاضاهای نظام سیاسی و نهاد دولت ازسوی پژوهشگران داخلی و خارجی انجام شده است. از جمله؛ ابس^۱ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی ابزارها و گزینه‌های راهبردی برای سیاستگذاری آموزش شهروندی»، با بررسی چالش‌ها، ابزارها و سیاست‌های آموزش شهروندی شورا و اتحادیه اروپا، استدلال کرده است؛ هم شورای اروپا و هم شورای اتحادیه اروپا با محدودیت‌های قانونی و منابع چشمگیری مواجه‌اند تا حدی که این محدودیت‌ها، ظرفیت آنها را برای شکل دادن و اجرای سیاستگذاری آموزش شهروندی در سطح ملی محدود می‌کند. وی اذعان کرده است هر دو نهاد به شدت به اطلاعات، منابع مالی و ابزارهای سازمانی برای تأثیرگذاری بر سیاستگذاری آموزش شهروندی نیازمندند.

1. Abs

هوریموتو و نینومیا لیم^۱ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان «چگونه آموزش عالی می‌تواند آموزش شهروندی را در ژاپن توسعه دهد»، به روش کتابخانه‌ای و مرور اسنادی، پیشینه و تاریخچه، تعاریف و تصویر کلی برنامه‌های درسی و همچنین اهداف آموزش شهروندی و شیوه‌های آن را به سبک توکای ژاپن از شروع برنامه در سال ۲۰۱۷ بررسی کرده‌اند. آنها در قالب دستاورد پژوهش خود اذعان داشته‌اند؛ برنامه‌های مورد نظر صرفاً مجموعه‌ای از روش‌های آموزشی نیستند، بلکه فلسفه‌ای هستند که برای یادگیری خودراهبر از سوی شهروندان ارزش قائل‌اند و مشارکت واقعی آنها را در ایجاد فرهنگ یادگیری جمعی تشویق می‌کنند.

زالنینه و پیرا^۲ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای با عنوان «آموزش عالی پایدار: چشم‌انداز جهانی» اذعان داشته‌اند، نهادهای آموزش عالی به‌عنوان عوامل کلیدی آموزش و رهبران آینده اجرای موفق اهداف توسعه پایدار^۳ در پیاده‌سازی این اهداف بسیار ناهمگون عمل کرده‌اند. آنها اذعان داشتند، آموزش عالی به‌ویژه در هدف پایان دادن به فقر در همه اشکال آن در همه جا، تأمین زندگی سالم و ارتقای رفاه برای همه سنین، برابری جنسیتی، کار شایسته و رشد اقتصادی، مصرف و تولید مسئولانه، تغییر آب و هوا، صلح، عدالت و نهادهای اثربخش موفق عمل نکرده است. از سویی، تأکید کرده‌اند برای ایجاد تغییر مورد نیاز در آموزش، اصول پایداری نیاز است، برنامه‌های درسی، شیوه‌های عملیاتی، ارتقای فرهنگ سازمانی، ترکیب اصول پایداری، محیط سیاسی و منافع ذی‌نفعان، توجه به کیفیت، جنسیت، کاهش ضایعات و مصرف انرژی، کاربرست روش‌های مختلف تحصیلی برای دانشجویان سطوح مختلف، مورد توجه قرار گیرد.

1 Horimoto and Ninomiya -Lim

2. Zaléniené and Pereira

3 Sustainable Development Goals (SDGs)

فیندلر و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای با هدف «مفهوم‌سازی اثرات نهادهای آموزش عالی بر پایداری» با استفاده از روش مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش با استفاده از مقالات منتشر شده معتبر برای سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۷ و روش تحلیل محتوای استقرایی در قالب دستاوردهای خود اذعان داشتند نهادهای آموزش عالی مسئولیت ذاتی در ایجاد پایداری جوامع دارند. دستاورد پژوهش آنها نشان داد آموزش بر کیفیت نیروی کار و رشد اقتصادی؛ پژوهش بر جهت‌گیری پژوهش‌ها به سمت کسب‌وکار و سیاستگذاری، تغییر عملکردهای کاری و اجتماعی؛ دستاوردها بر گفتمان فرهنگی و انسجام اجتماعی؛ عملکرد دانشکده‌ها بر توزیع تغییرات تدریجی و عملگرایی؛ تجارب دانشکده‌ها بر مهاجرت دانشجویان و توسعه شهروندی اثرگذار است. بنابراین نهادهای آموزش عالی باید توسعه پایدار را در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های راهبردی خود در نظر داشته باشند. ناوارو مدینا و دی - آلبا فرناندز^۲ (۲۰۱۵) با هدف «مطالعه تطبیقی آموزش شهروندی در برنامه درسی اروپا» بر گنجاندن آموزش شهروندی در برنامه درسی تأکید کرده‌اند. آنها اذعان داشته‌اند اهداف آموزش شهروندی با توجه به قوانین ملی، بستر، سنت‌ها، میراث فرهنگی و مهم‌تر از همه بسته به رویکرد برنامه درسی در هر کشور به روشی متفاوت تدوین شده است. دستاورد این مطالعه بر آموزش شهروندی در چارچوب برنامه‌های درسی مبتنی بر رویه‌ها، ارزش‌ها و محتوای مشخص، ارائه اطلاعات ضروری در خصوص تاریخچه، جغرافیا و سیاست کشور، مشارکت و تجارب سیاسی در مدرسه و سطح محلی، ایجاد ابزارهای ضروری، توانایی‌ها، صلاحیت‌ها و ارزش‌های لازم برای مسئولیت‌پذیری جهت ایفای نقش‌های بزرگسالی در دانشجویان، تأکید کرده است.

1. Findler et al.

2. Navarro- Medina and de-Alba Fernandez

گالستون^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه‌ای با عنوان «دانش سیاسی، مشارکت سیاسی و آموزش شهروندی» اذعان کرده است به‌رغم افزایش چشمگیر آموزش رسمی، سطح دانش سیاسی در فارغ‌التحصیلان کالج کاهش یافته است. وی در تحقیقات اخیر نشان می‌دهد آموزش شهروندی مبتنی بر کلاس درس، می‌تواند دانش سیاسی را به میزان چشمگیری افزایش دهد. وی استدلال کرده است، یادگیری ارائه خدمات از مسیر ترکیب تجارب شهروندی مبتنی بر جامعه و آموزش نظام‌مند کلاس درس در مورد تجارب شهروندی یک نوآوری امیدوارکننده است، واقعیتی که در عمل و در مطالعات تجربی در نهادهای آموزش عالی مشاهده نمی‌شود.

آرایش و شیخی (۱۳۹۹) با هدف بررسی رابطه آموزش شهروندی و توسعه پایدار شهری با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی نشان دادند، بین آموزش شهروندی و شاخص‌های توسعه پایدار شهری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین اذعان داشتند جهت تأثیر بیشتر آموزش شهروندی بر توسعه پایدار شهری باید ابتدا بستر آموزش (جامعیت و پویایی قانون، رفاه و تأمین اجتماعی) در جامعه فراهم شود، سپس شرایط مداخله‌گر (بی‌اعتمادی نهادی، عدم توسعه فرهنگی و ناکارآمدی آموزش رسمی) مرتفع شود.

راد و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با عنوان «طراحی چارچوبی برای شناسایی و دسته‌بندی مؤلفه‌های آموزش عالی پایدار در ایران»، با استفاده از روش کیفی فراترکیب و تحلیل چارچوبی مبتنی بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی، شاخص‌های پایداری دانشگاه‌ها را در ۲۵ مؤلفه و هشت بعد شامل: مدیریت زیست‌محیطی پردیس؛ آموزش پایدار؛ مشارکت‌کنندگان؛ مدیریتی پایدار؛ سرمایه اجتماعی؛ پژوهش پایدار؛ نظارت، ارزیابی و گزارش‌دهی؛ اداری و مالی ارائه کردند. صالحی و پازوکی‌نژاد

1. Galston

(۱۳۹۳) با هدف مطالعه آموزش عالی به‌عنوان ابزاری نوین در توسعه پایدار، الگوی آموزش عالی پایدار با تأکید بر پایداری محیط زیستی را با استفاده از روش مطالعه اسنادی مورد بررسی قرار داده است. دستاوردهای این پژوهش نشان داد؛ بهبود شبکه‌ها، همکاری‌ها و مشارکت‌های علمی، بازنگری برنامه‌های درسی و دوره‌های آموزشی موجود؛ بازنگری شیوه‌های تدریس و رویکردهای آموزش محیط زیست؛ تدوین برنامه‌های میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای در بستر توسعه آموزش عالی پایدار؛ اتخاذ رویکرد سبز در عملیات روزمره یک دانشگاه پایدار و ممانعت از تأثیر منفی بر جوامع انسانی یا اکوسیستم‌ها؛ ارائه خدمات به جوامع محلی، ملی و بین‌المللی برای تضمین آینده‌ای سالم از نظر محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی از ضروریات است. قورچیان و افتخارزاده (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای به بررسی مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کتاب‌های درسی متوسطه، براساس نظرهای گوناگون، آیات و روایات و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با روش توصیفی از نوع تحلیل محتوا و رویکرد پژوهش کاربردی مبتنی بر واحد تحلیل شامل صفحه، پرسش‌ها و تصویر و با استناد به روش ویلیام رومی و محاسبه ضریب درگیری مفاهیم نشان داد، در منابع درسی دوره متوسطه، طیفی از توجه اندک تا مطلوب به مؤلفه‌های توسعه سیاسی وجود دارد. همچنین میزان توزیع مؤلفه‌ها در کل محتوا، به‌طور معناداری نامتوازن است. با نقد و بررسی پیشینه پژوهش، چند نکته محوری قابل استنباط است که البته نوآوری پژوهش حاضر نیز محسوب می‌شود: نخست اینکه، اگرچه مطالعات با محوریت مطالعه و بررسی ابعاد مرتبط با مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران متعدد قرار گرفته و دانش بسیاری نیز در این زمینه تولید شده است، با این حال این حجم از دانش موجب شده اطلاع و تسلط کامل بر همه ابعاد موضوع و به‌روز بودن آنها تا حد زیادی امکان‌ناپذیر باشد. در این شرایط

انجام پژوهش‌های ترکیبی که عصاره پژوهش‌های انجام شده در موضوعی خاص را به شیوه‌ای نظام‌مند و علمی پیش روی پژوهشگران قرار می‌دهند، می‌تواند رویکرد مطالعاتی اثربخشی برای دستیابی به دستاوردهای بدیع و کاربردی باشد.

نکته دوم اینکه، همان‌طور که در پیشینه مطالعات موجود اشاره شد، هریک از پژوهشگران با نگاه خود، جنبه‌های خاصی از ابعاد و وجوه پدیده مورد مطالعه را بررسی کرده‌اند و در عمل تاکنون مطالعه‌ای در چارچوب جامع و یکپارچه با ملحوظ داشتن ابعاد متعدد مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی به‌ویژه با تأکید بر انتظارات دولت، انجام نشده است. نهایت اینکه، اجرای اقدام‌های راهبردی در هر عرصه‌ای بیش از هرچیز مستلزم بهره‌مندی از طرح، برنامه و الگویی است که به‌عنوان نقشه راه و ابزار علمی - فنی مناسب در راستای تحقق اهداف تعیین شده، مورد استفاده قرار گیرد. تحلیل و ارزیابی دقیق، شفاف و جامع مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با کاربست الگوهایی که کاستی، نقصان یا کم‌توجهی به تعاملات، وجوه و ابعاد متنوع این عرصه داشته باشند، ابزارهای علمی مؤثری برای قضاوت و تفسیر دستاوردها نخواهد بود. بنابراین با هدف مرتفع ساختن خلأهای پژوهشی مورد اشاره در این پژوهش سعی شد با کاربست روش فراترکیب، ضمن توسعه دستاوردهای پژوهش‌های پیشین، ابعاد مورد کم‌توجهی و بعضاً مغفول‌مانده از مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت، در بستری جامع، یکپارچه و نظام‌مند شناسایی، دسته‌بندی و الگوی پژوهش براساس آن ارائه شود.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف، با استفاده از روش کیفی مبتنی بر فراترکیب و تحلیل چارچوبی داده‌ها مبتنی بر کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم‌افزار

MAXQDA انجام شده است. فراترکیب از طریق فراهم کردن نگرش نظام‌مند برای پژوهشگران از راه ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف، موضوع‌ها و استعاره‌های جدید و اساسی را کشف می‌کند و با این روش دانش جاری را ارتقا می‌دهد و دیدی جامع و گسترده در زمینه مسائل پدید می‌آورد (زنگنه‌نژاد، حاجی حیدری و آذر، ۱۴۰۰: ۱۰۳)؛ در واقع ترکیب تفسیر داده‌ها و یافته‌های اصلی مطالعات منتخب است. فراترکیب عصاره‌ای از تفسیرهای مطالعات پیشین نیست، بلکه یکپارچه‌سازی تفسیر یافته‌های اصلی مطالعات منتخب به‌منظور ایجاد یافته‌های جامع و تفسیری است که حاکی از فهم عمیق محقق در این خصوص است (Zimmer, 2006: 312-313). در این پژوهش از فرایند هفت مرحله‌ای ساندلوسکی و بروسو (۲۰۰۷) برای انجام فراترکیب استفاده شده است.

شکل ۱. گام‌های روش فراترکیب



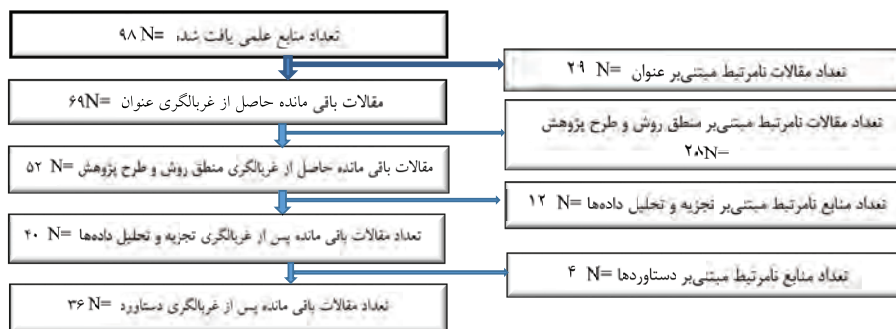
گام اول، تنظیم سؤال پژوهش است. با عنایت به هدف پژوهش؛ شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت، سؤال‌های اصلی پژوهش این است که وجوه، مؤلفه‌های اصلی و سطوح مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت کدامند؟ اولویت مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت چگونه است؟

گام دوم، بررسی متون به روش نظام‌مند و شناسایی منابع علمی معتبر مرتبط است. جامعه آماری شامل تمام مطالعات و پژوهش‌های منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعات علمی معتبر داخلی با هدف ارائه یک الگوی چند سطحی بومی‌سازی شده است که براساس کلیدواژه‌های مرتبط مورد جستجو قرار گرفتند. چارچوب زمانی جستجوی پژوهش‌های مرتبط شامل سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۸۰ با هدف ملحوظ داشتن طیفی از مباحث و موضوع‌های مرتبط با موضوع پژوهش در سطح داخلی است. برای جستجو و شناسایی منابع علمی مورد بررسی در قالب مقالات معتبر علمی از کلیدواژگان مرتبط شامل «سیاست‌های آموزش عالی، توسعه آموزش عالی، مهارت‌های شهروندی، حقوق شهروندی، آموزش شهروندی، جامعه‌پذیری، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی، توسعه پایداری، پارادایم توسعه، آموزش عالی و توسعه پایدار، نظام سیاسی، اعتماد سیاسی، دانش سیاسی، توسعه سیاسی» در بستر پایگاه‌های اطلاعاتی علمی الکترونیکی داخلی شامل بانک اطلاعات نشریات کشور، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، مجلات تخصصی نور، مگیران، سیویلیکا و علم‌نت استفاده شده است.

در گام سوم، عناوین منابع علمی معتبر شناسایی شده (تعداد ۹۸ مقاله مرتبط)، براساس معیارهای ورود^۱ به مطالعه: ۱. حداکثر تناسب منابع گزینشی با موضوع پژوهش، ۲. تمرکز واحد تحلیل مطالعات منتخب بر نهاد دانشگاه و وجوه متنوع مأموریت‌های سیاست‌محور نظام آموزش عالی، ۳. انتشار مطالعات منتخب ناشران و پایگاه‌های منابع علمی الکترونیکی و چاپی معتبر، ۴. تناسب قابل قبول دستاورد مطالعات منتخب برای پیگیری اهداف پژوهش و معیارهای خروج؛^۲ اجرای فعالیت‌های پژوهشی در عرصه‌هایی غیر از نظام آموزش و نهادهای دانشگاهی، بررسی و تعداد ۲۹ سند نامرتبط حذف و تعداد ۶۹ منبع باقی ماندند. سپس منابع علمی باقی مانده، براساس شاخص‌های ابزار برنامه مهارت‌های ارزیابی حیاتی^۳ غربالگری و ناب‌سازی شدند. براساس این برنامه، منابع علمی مبتنی بر ۱۰ معیار شامل: اهداف تحقیق، منطق روش، طرح تحقیق، نمونه‌برداری، جمع‌آوری داده‌ها، انعکاس‌پذیری، ملاحظات اخلاقی، دقت در تجزیه و تحلیل، بیان شفاف یافته‌ها و ارزش تحقیق، بررسی و به هریک از معیارها امتیاز با مقیاس (یک تا پنج) تخصیص یافت و بر این اساس، منابعی که میانگین امتیاز کمتر از ۲/۵ کسب کردند، حذف شدند (Finfgeld, 2003: 901). در این مرحله نیز تعداد ۳۳ منبع علمی حذف و در نهایت تعداد ۳۶ منبع علمی برای تحلیل متن و پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، انتخاب شدند.

-
1. Inclusion Criteria
 2. Exclusion Criteria
 3. Critical Appraisal Skills Programme (CASP)

شکل ۲. خلاصه نتایج جستجو و غربالگری منابع علمی



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

در گام چهارم، مقالات منتخب به‌طور دقیق و به‌صورت خط به خط مطالعه و بررسی و به‌صورت هم‌زمان داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش تحلیل استقرایی (جزء به کل) از این متون استخراج شدند. البته ضمن تحلیل متون منتخب، همچنان فرایند نمونه‌گیری ادامه پیدا کرد، چراکه با تحلیل داده‌ها و احتمال ظهور استنباط‌های جدید، امکان نمونه‌گیری و جمع‌آوری مجدد اطلاعات وجود داشته و این اقدام تا رسیدن به مرحله اشباع نظری به‌طوری که داده‌های گردآوری شده جدید، تکرار داده‌های قبلی بوده و اطلاعات جدیدی حاصل نشود، می‌تواند ادامه یابد. در ادامه، مفاهیم با ارزش محتوایی اندک حذف و مفاهیم مشابه در یکدیگر ادغام و به این ترتیب مجموعه‌ای از مفاهیم پایه استخراج شدند.

گام پنجم، تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های کیفی است. در این گام کدهای استخراج شده در مرحله قبل که دارای ماهیت مشابه بودند، ذیل یک گروه قرار گرفته و مفاهیم را تشکیل دادند. در ادامه نیز مفاهیم مشابه، مقوله‌ها را ایجاد کردند.

گام ششم، به کنترل کیفیت مربوط می‌شود. روایی داده‌ها از طریق روایی صوری و محتوایی حاصل شد. بدین ترتیب که مؤلفه‌های شناسایی شده و الگوی حاصل، در

اختیار پنج نفر از صاحب‌نظران این عرصه قرار گرفت و با نظر آنها و عدم تغییر الگو، روایی صوری و محتوایی تأیید شد. به‌منظور ارزیابی پایایی از روش کدگذاری مجدد (کدگذاری همکار) و محاسبه شاخص کاپای کوهن^۱ استفاده شد. بدین‌منظور، یک نفر از پژوهشگران آشنا با عرصه پژوهش حاضر، مفاهیم پایه مستخرج از متون پژوهش‌های علمی منتخب را بدون آگاهی از اطلاعات کدگذاری و مقوله‌بندی انجام شده از سوی پژوهشگر، جداگانه کدگذاری و مقوله‌بندی کرد. مقدار شاخص کاپا در سطح معناداری ۰/۰۰۱ معادل ۰/۷۱ محاسبه شد که با توجه به کوچک‌تر بودن عدد معناداری از مقدار $(\alpha=0/05)$ فرض استقلال کدهای استخراجی رد و پایایی مناسب کدها تأیید شد.

جدول ۱. خلاصه محاسبات ضریب کاپای کوهن

سطح معناداری	انحراف استاندارد	مقدار آماره	
۰/۰۰۱	۰/۵۸	۰/۷۱	کاپای مقدار توافق
	۶۶		تعداد موارد متغیر

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۴. یافته‌های پژوهش

گام هفتم فراترکیب، به ارائه یافته‌های پژوهش اختصاص دارد. در این بخش از پژوهش تمام مؤلفه‌های مربوط به مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت، از ۳۶ مقاله منتخب استخراج و سپس کدگذاری شدند. براساس اطلاعات جدول ۲، دستاورد تحلیل بخشی از داده‌های مستخرج از مطالعات منتخب، شناسایی ۱۰ کد باز مقوله‌بندی شده در چارچوب ابعاد سه‌گانه کدهای محوری؛ «بازتدوین آموزش شهروندی»، «توسعه مشارکت و راهبری امور شهروندی» و «نهادینه‌سازی قانونگرایی

1. Cohen's Kappa Coefficient

اخلاق محور» است. در مرحله کدگذاری انتخابی با مقوله‌بندی ابعاد سه‌گانه، مؤلفه اصلی «توسعه شهروندی» ارائه و در سطح مبانی فردی جایابی شد.

جدول ۲. نشانگرها، ابعاد و مؤلفه اصلی توسعه شهروندی مبانی سیاسی - اجتماعی

آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت

مقوله اصلی	سطح	دستاورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	دستاورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دستاورد کدگذاری باز (نشانگرها)	کد منابع علمی معتبر
مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت	فردی	توسعه شهروندی	بازتدوین آموزش شهروندی	بازنگری برنامه‌های درسی مبتنی بر آموزش شهروندی؛ آشنایی با وظایف، حقوق و نقش‌های شهروندی؛ کمک به پیشرفت و تکامل نقش شهروندی	۱۹-۲۰ ۲۲-۳۲
			توسعه روحیه مشارکت و راهبری امور شهروندی	بسترسازی همکاری و مشارکت ذی‌نفعان در تربیت شهروندی؛ تعمیق روحیه کثرت‌گرایی در امور جامعه؛ مشورت، تصمیم‌گیری و بهبود روابط و مناسبات اجتماعی	۱۹-۲۰ ۲۱-۲۲ ۲۳-۲۵
			نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق محور	پرورش منش آزادی‌خواهی و مسئولیت‌پذیری؛ بسط فرهنگ قانون‌گرایی؛ توسعه وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی؛ توجه به حقوق فردی و اجتماعی	۲۱-۲۲ ۲۳-۲۴ ۲۵

مأخذ: همان.

در جدول ۳ مؤلفه اصلی «جامعه‌پذیری سیاسی» و ابعاد و نشانگرهای آن ارائه شده است. این مؤلفه اصلی از مقوله‌بندی چهار بعد: «بازتولید سرمایه‌های انسانی مولد»، «راهبری جامعه‌پذیری نهادی»، «تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا» و «خودتنظیمی تعهدگرا» حاصل، ارائه و در سطح مبانی فردی جایابی شده است. تعداد نشانگرهای مؤلفه مذکور نیز شامل ۱۳ کد باز است.

جدول ۳. نشانگرها، ابعاد و مؤلفه اصلی جامعه‌پذیری سیاسی مبانی سیاسی - اجتماعی

آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت

کد منابع علمی معتبر	دستاورد کدگذاری باز (نشانگرها)	دستاورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دستاورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	سطح	مقوله اصلی
۲۴-۲۲-۳۱	تسهیل در فرایند جامعه‌پذیری افراد و یادگیری هرچه بهتر استانداردهای زندگی سالم؛ تربیت انسان‌های قانونمند، مشارکت‌پذیر، منظم، مسئول و پرتلاش	بازتولید سرمایه‌های انسانی مولد		فردی	مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی
۳۴-۳۳-۲۷	راهبری تشکلهای سیاسی، احزاب، شخصیت‌های سیاسی، سیاست‌ها و برنامه‌های وزارت علوم در جامعه‌پذیری سیاسی؛ هدایت نهادهای آموزشی و رسانه‌ها در جامعه‌پذیری سیاسی؛ هدایت نهاد خانواده در جامعه‌پذیری سیاسی؛ شکل‌گیری انتخاب آگاهانه، نگرش‌ها و تفکرات برای پذیرش نقش‌های سیاسی	راهبری جامعه‌پذیری نهادی	جامعه‌پذیری سیاسی		
۳۵-۳۸-۲۸-۳۶-۲۲-۲۵-۳۳-۳۱	توسعه الگوهای رفتاری وحدت‌محور و مشارکت‌مدارانه هویت ملی؛ آموزش و توسعه الگوهای ارزشی و انتقال فرهنگ و هویت تاریخی؛ تقویت هویت فرهنگی در شهروندان و مقابله با ناهنجاری‌های فرهنگی	تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا			
۲۹-۲۵-۳۱-۳۰-۳۲	آگاهی از حوادث و مشکلات جاری جامعه؛ مسئولیت‌پذیری در قبال وظایف و نقش‌ها مبتنی بر اصول اخلاقی؛ پذیرش قدرت قانونی و بررسی و نقد عقاید و ایده‌ها؛ کنترل کشش‌ها و خواسته‌های ناهمسو و ناهمخوان با جامعه	خودتنظیمی تعهدگرا			

مأخذ: همان.

در جدول ۴ اطلاعات مؤلفه اصلی «مشارکت سیاسی» ذیل سطح ملی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ارائه شده است. مؤلفه مذکور حاصل مقوله‌بندی ۱۱ کد باز در چارچوب ۲ کد محوری است که با عنوان ابعاد «ترویج باورهای

ارزشی مشارکت» و «شکل دهی جهت گیری های ایدئولوژیکی مشارکت» در سطح ملی جایابی شده اند.

جدول ۴. نشانگرها، ابعاد و مؤلفه اصلی مشارکت سیاسی مبانی سیاسی - اجتماعی

آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت

مقوله اصلی	سطح	دستاورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	دستاورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دستاورد کدگذاری باز (نشانگرها)	کد منابع علمی معتبر
مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت	ملی	مشارکت سیاسی	ترویج باورهای ارزشی مشارکت	تأکید بر حذف قشربندی اجتماعی و تأکید بر همزیستی با اقوام مختلف؛ تقویت حس مشارکت فعال در مسائل، مشکلات و امور جامعه ملی و محلی؛ داشتن انگیزه مشارکت در موضوعها و مداخله در حل مناقشات جامعه؛ احساس تکلیف اجتماعی و سیاسی	۲۴-۱ ۳۱-۲۵
			شکل دهی جهت گیری های ایدئولوژیکی مشارکت	آگاهی و دانش درباره حکومت و دولت؛ توسعه حس وطن پرستی و افزایش مشارکت در انتخابات ملی؛ مقابله با فرهنگ های تحمیلی سیاسی یا دولتی؛ پرورش روح تشکیلاتی و فعالیت سازمانی؛ افزایش توان ابراز وفاداری به نظام، نمادهای سیاسی و افتخارات ملی؛ آشنایی با قوانین ملی و مجلس شورای اسلامی؛ آموزش جهت گیری وابستگی ایدئولوژی و حزبی	۲۳-۲۵ ۳۲-۳۱ -۲

مأخذ: همان.

براساس اطلاعات مندرج در جدول ۵ پس از غربالگری و تصفیه مجموعه ای از مفاهیمی که به لحاظ نظری از اشتراک معنایی و محتوایی برخوردار بودند، تعداد ۲۲ کد باز، ذیل چهار بعد محوری «چابکی علمی»، «انتظام دانایی محور امور اقتصادی -

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران؛... — ۴۶۷

اجتماعی»، «بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایدار» و «راهبری خدمات پایداری» مقوله‌بندی شدند. در ادامه و در مرحله کدگذاری انتخابی نیز چهار بعد شناسایی شده در چارچوب مبانی نظری مقوله‌بندی و با عنوان مؤلفه اصلی «توسعه پایدار» در سطح ملی جایابی شدند.

جدول ۵. نشانگرها، ابعاد و مؤلفه اصلی توسعه پایدار مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش

عالی با تأکید بر انتظارات دولت

مقوله اصلی	سطح	دستاورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	دستاورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دستاورد کدگذاری باز (نشانگرها)	کد منابع علمی معتبر
مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت	ملی	توسعه پایدار	چابکی علمی	توجه به اهمیت آزادی و استقلال علمی در پاسخگویی به امور اجتماعی؛ توجه به برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک و استقرار سیستم پایش و پاسخگویی نظام‌مند؛ اعتقاد به ماهیت علم و تلاش برای توسعه آن؛ اعتقاد به همگانی بودن دانش و تلاش برای استفاده از آن برای رفاه عمومی، ساختارهای حکومتی و رهبری متأثر از ساختارهای مدیریتی و علمی دانشگاه؛ عدم تأثیرپذیری فعالیت‌های علمی از نگرش‌های سیاسی مدیران؛ انتشار نتایج حاصل از فعالیت‌های علمی بدون محدودیت‌های غیرعلمی	۳۱-۷ ۱۶-۱۵ ۱۷

مقاله اصلی	سطح	دستاورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	دستاورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دستاورد کدگذاری باز (نشانگرها)	کد منابع علمی معتبر
مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت	ملی	توسعه پایدار	انتظام دانایی محور امور اقتصادی - اجتماعی	توسعه درآمدهای اختصاصی، خیریه، املاک و مستغلات دانشگاهی؛ مدیریت درآمد مازاد حاصل از درآمدهای اختصاصی؛ توسعه مهارت قضاوت دقیق و علمی در ارزیابی‌های اجتماعی؛ گسترش هویت آکادمیک و انتقال آن به جامعه؛ هدایت همگان به پاسداشت اندیشه علمی در مناسبات اقتصادی - اجتماعی	۱۵-۱۴ ۳۱-۱۶ ۱۸-۳۲
			بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری	افزایش تعداد دانشجویان، مراکز عالی تحقیقاتی و آموزشی؛ تربیت تحصیل کردگان از قشرهای مختلف مردم؛ تقویت گرایش به استفاده از محصولات داخلی؛ آموزش مهارت‌های کنشی - اجتماعی و بهبود الگوی مصرف؛ ارتقای سواد محیطی، زیباشناختی و تعهد به تغییر سبک زندگی و عادات مصرف به منظور حفظ محیط؛ بازنگری شیوه‌های تدریس و رویکردهای آموزش محیط زیست؛ تدوین برنامه‌های میان‌رشته‌ای و فرارشته‌ای در بستر توسعه آموزش عالی پایدار	۲۵-۸ ۴-۳۱ ۱۲-۱۰ ۱۱
			راهبری خدمات پایداری	آشنایی با روش‌های آلودگی زیست‌محیطی و مبارزه با آن؛ کاهش خسارت‌ها و هزینه‌های وارده بر مدیریت شهری؛ ارائه خدمات به جوامع محلی، ملی و بین‌المللی برای تضمین آینده‌ای سالم از نظر محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی؛ داشتن برنامه راهبردی و نمایه عملیاتی و مشارکت و مشورت با افراد و نهادها	۲۵-۹ ۱۲-۱۰ ۲۳-۱۳

مأخذ: همان.

در جدول ۶ اطلاعات مرتبط با مؤلفه اصلی «توسعه سیاسی» ارائه شده است. مؤلفه مورد نظر حاصل مقوله‌بندی ۱۲ کد باز با عنوان نشانگر است که از مقوله‌بندی آنها

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران؛ ... — ۴۶۹

مبتنی بر مبانی نظری پژوهش تعداد سه بعد: «بازتولید نظام علمی توسعه سیاسی»، «تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی»، «تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی» ارائه شده‌اند. مؤلفه اصلی «توسعه سیاسی» در سطح فراملی جایابی شده است.

جدول ۶. نشانگرها، ابعاد و مؤلفه اصلی توسعه سیاسی مبانی سیاسی - اجتماعی

آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت

مقوله اصلی	سطح	دست‌آورد کدگذاری انتخابی (مؤلفه)	دست‌آورد کدگذاری محوری (ابعاد)	دست‌آورد کدگذاری باز (نشانگرها)	کد منابع علمی معتبر
مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی	فراملی	توسعه سیاسی	بازتولید نظام علمی توسعه سیاسی	تأکید بر توسعه‌یافتگی مبتنی بر بازدهی آموزشی؛ پرورش بینش‌ها و شم سیاسی اجتماعی؛ زمینه‌سازی برای توسعه مهارت‌ها و توانایی سیاسی و اجتماعی	۳-۶-۱
			تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی	بازتولید فرهنگ در محیط جهانی و مبادله بین فرهنگی و چند فرهنگی؛ تمایل و توانایی مشارکت در فعالیت‌های سیاسی در سطوح ملی و بین‌المللی	۴-۳۱-۲۵ ۳۲
			تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی	افزایش آگاهی از جامعه جهانی و مسائل و روندهای آن؛ آگاهی از احزاب سیاسی و حقوق بین‌المللی؛ توسعه روابط سیاسی غیررسمی و یکپارچگی سیاسی؛ توسعه توانایی جهانی اندیشیدن و محلی عمل کردن؛ توسعه آموزه‌های تضمین بقا و استمرار نظام سیاسی؛ قدرت‌یابی بر تحلیل مسائل و رویدادهای سیاسی؛ عمق بخشیدن و اعتلای سیاست و تقویت هویت سیاسی، نوآوری و نوسازی در فرهنگ و مناسبات اجتماعی	۲۳-۲۸ ۳۲-۴-۳۶ ۶-۵

مأخذ: همان.

۱-۴. رتبه‌بندی مؤلفه‌های مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت

به‌منظور تعیین میزان پشتیبانی مطالعات گذشته هر یک از مفاهیم شناسایی شده، از روش آنتروپی شانون^۱ استفاده شد. در روش آنتروپی شانون، محتوای دستاوردهای کیفی به‌صورت کمی توصیف می‌شوند، به همین دلیل این روش را می‌توان تبدیل داده‌های کیفی به کمی قلمداد کرد. برای استفاده از الگوریتم آنتروپی شانون ابتدا پیام‌ها برحسب مقوله‌ها و به‌تناسب هر مصاحبه در قالب فراوانی شمارش و سپس با استفاده از رابطه ۱ مقدار عدم اطمینان حاصل از هر مقوله محاسبه شده است.^۲

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m p_{ij} \ln(p_{ij}); \forall j$$

در مرحله بعد، با استفاده از بار اطلاعاتی ابعاد و مؤلفه‌ها، ضریب اهمیت هر یک از ابعاد و مؤلفه‌ها با استفاده از رابطه ۲ محاسبه شده است.

$$w_j = \frac{E_j}{\sum_{i=1}^m E_j}; \forall j$$

دستاورد حاصل از اجرای الگوریتم آنتروپی شانون در جدول ۷ ارائه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. با هدف توصیف کمی داده‌های کیفی و تعیین میزان اهمیت هر یک از ابعاد مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی ایران با استفاده از روش آنتروپی شانون، ابتدا پیام‌ها برحسب مقوله‌ها و به‌تناسب هر منبع علمی در قالب فراوانی شمارش و با محاسبه مقدار عدم اطمینان و بار اطلاعاتی ابعاد، ضریب اهمیت هر یک از ابعاد و مؤلفه‌ها محاسبه شد.
۲. در معادله (۱) k ضریبی ثابت است که از فرمول $\frac{1}{\ln(m)}$ به‌دست می‌آید. m تعداد متونی است که در آن از یک مفهوم صحبت شده و p نماد احتمال ذکر یک مفهوم در یک متن است که بیانگر وزنی است که هر مقاله به یک شاخص، مؤلفه یا بعد داده است.

جدول ۷. ضرایب اهمیت ابعاد و مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش

عالی با تأکید بر انتظارات دولت

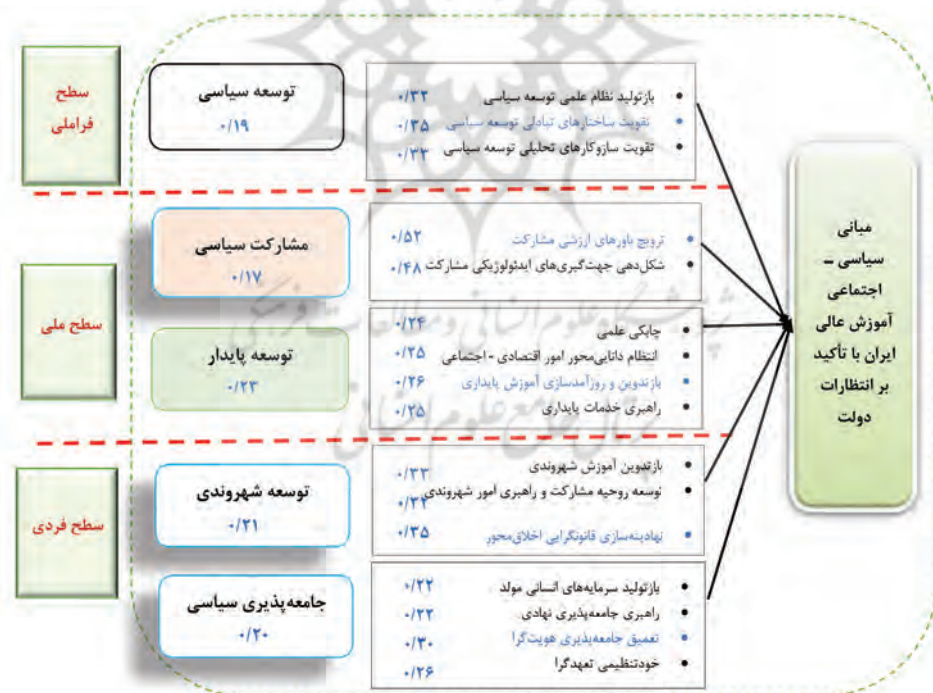
پدیده محوری	مؤلفه‌های اصلی	ابعاد	تعداد ارجاعات	اهمیت ابعاد	اهمیت مؤلفه‌های اصلی
مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت	توسعه شهروندی	بازتدوین آموزش شهروندی	۴	۰/۳۳	۰/۲۰
		توسعه روحیه مشارکت و راهبری امور شهروندی	۶	۰/۳۲	
		نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق محور	۵	۰/۳۵	
	جامعه‌پذیری سیاسی	باز تولید سرمایه‌های انسانی مولد	۳	۰/۲۲	۰/۲۱
		راهبری جامعه‌پذیری نهادی	۳	۰/۲۲	
		تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا	۸	۰/۳۰	
		خودتنظیمی تعهدگرا	۵	۰/۲۶	
	مشارکت سیاسی	ترویج باورهای ارزشی مشارکت	۴	۰/۵۲	۰/۱۷
		شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت	۵	۰/۴۸	
	توسعه پایدار	چابکی علمی	۵	۰/۲۴	۰/۲۳
		انتظام دانایی‌محور امور اقتصادی - اجتماعی	۶	۰/۲۵	
		بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری	۷	۰/۲۶	
راهبری خدمات پایداری		۶	۰/۲۵		
توسعه سیاسی	بازتولید نظام علمی توسعه سیاسی	۳	۰/۳۲	۰/۲۰	
	تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی	۴	۰/۳۵		
	تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی	۷	۰/۳۳		

مأخذ: همان.

براساس اطلاعات مندرج در جدول ۷ مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار با ضریب اهمیت (۰/۲۳)، جامعه‌پذیری سیاسی با ضریب اهمیت (۰/۲۱)، مؤلفه اصلی توسعه شهروندی با ضریب اهمیت (۰/۲۰)، توسعه سیاسی با ضریب اهمیت (۰/۲۰) و مشارکت سیاسی با ضریب اهمیت (۰/۱۷) به ترتیب در اولویت اول تا پنجم از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران قرار دارند. اطلاعات مرتبط با اولویت ابعاد هریک از مؤلفه‌های اصلی نیز در الگوی چند سطحی پیشنهادی «مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت» در شکل ذیل ارائه شده است.

شکل ۳. الگوی پیشنهادی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران با تأکید بر

انتظارات دولت



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۵. بحث و تفسیر یافته‌های پژوهش

در تفسیر یافته‌های پژوهش در دو بخش یافته‌های کیفی و کمی، ابتدا مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت به‌عنوان یافته بخش کیفی پژوهش و سپس دستاوردهای تحلیل کمی داده‌ها، مورد بحث و تفسیر قرار گرفته است.

۵-۱. بحث و تفسیر یافته‌های کیفی

۵-۱-۱. سطح فردی

۵-۱-۱-۱. مؤلفه آموزش عالی و توسعه شهروندی^۱

به‌عنوان اولین مؤلفه اصلی از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی، «توسعه شهروندی» در چارچوب ابعاد سه‌گانه «بازتدوین آموزش شهروندی»، «توسعه مشارکت و راهبری امور شهروندی» و «نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق‌محور» مورد تبیین قرار گرفته است. در واقع، دغدغه توجه به آموزش، رشد و توسعه شهروندی در نظام‌های آموزش عالی گویای نقطه آغاز توجه به تربیت شهروندانی متمدن و اثربخش برای جامعه است. آموزش شهروندی در بستر تلاش‌های آگاهانه و آشکار برای توسعه شناخت فرد از دولت، قانون، سیاست، عدالت، برابری و مسئولیت به شکوفایی استعدادها و ارتقای توانایی‌ها، مهارت‌ها و افزایش آگاهی‌ها و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی افراد و گروه‌های جامعه و تحقق توسعه انسانی منجر می‌شود. در این راستا، آموزش می‌تواند به‌عنوان عامل کلیدی سازوکار تربیت شهروندان شایسته، به‌گونه‌ای معنادار بر دانش و سواد سیاسی افراد جامعه، جامعه‌پذیری و به همان اندازه در میزان مشارکت سیاسی و شکل‌گیری شخصیت سیاسی آنها نقشی تعیین‌کننده داشته باشد. در این مسیر، دانشگاه‌ها هم‌راستا با تمام تلاش‌ها در جهت تحقق یکپارچگی ملی می‌کوشند تا توسعه مردم‌سالاری را تسریع و تسهیل کنند و فرصت‌های لازم

1. Higher Education and Citizenship Development

برای کسب توانایی‌های ارتباطی، تفکر انتقادی، کسب استدلال اخلاقی و قابلیت سازگاری و تداوم حیات در اجتماع را با ارائه خدمات آموزشی برای ذی‌نفعان فراهم سازند (شاه‌طالبی، قلی‌زاده و شریفی، ۱۳۸۹؛ Galston, 2001; Gacel, 2005; DeJaeghere and Tudball, 2006; Staeheli and Hammett, 2010; Noritada, 2014)

۲-۱-۱-۵. مؤلفه آموزش عالی و جامعه‌پذیری سیاسی^۱

مؤلفه اصلی دوم از مبانی سیاسی-اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت «جامعه‌پذیری سیاسی» با چهار بعد: «بازتولید سرمایه‌های انسانی مولد»، «راهبری جامعه‌پذیری نهادی»، «تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا» و «خودتنظیمی تعهدگرا» است. جامعه‌پذیری با رویکرد جهت‌گیری رفتار سیاسی یا به عبارتی جامعه‌پذیری سیاسی یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های دولت‌ها در محیط اجتماعی و سیاسی هر کشور و تلاشی برای حفظ، انتقال و توسعه ارزش‌های سیاسی و اجتماعی نظام سیاسی به نسل‌های آینده برای تداوم کارکردی نظام سیاسی است. جامعه‌پذیری سیاسی به‌عنوان مجموعه جهت‌گیری‌های شناختی، عاطفی، ارزشی و نگرشی نسبت به نظام سیاسی و دستاوردهای آن می‌تواند از سه بعد: الف) ارتباط افراد با نهادهای سیاسی جامعه به‌دلیل آگاهی و علاقه‌مندی آنها نسبت به فعالیت‌های سیاسی، ب) اعتقاد و نگرش مثبت نسبت به نظم سیاسی موجود به‌عنوان عامل حمایت‌کننده نگرش‌های مردم‌سالار در جامعه، ج) ارزیابی دستاوردهای سیاسی برای اعتماد و تعامل مردم با نهادهای سیاسی، بر تمایلات سیاسی و نگرش افراد نسبت به سیاست‌های آینده تأثیرگذار باشد. در این مسیر، دانشگاه به‌عنوان بستر و محیط مستعد و اساسی برای جامعه‌پذیری سیاسی و آموزش‌های دانشگاهی به‌عنوان عامل اساسی تبیین و تحلیل‌کننده رفتار سیاسی افراد جامعه می‌تواند مشوق شهروندان برای مشارکت

1. Higher Education and Political Socialization

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران؛ ... — ۴۷۵

سیاسی، افزایش سرمایه اجتماعی و عامل کلیدی تعیین دانش سیاسی، کارایی سیاسی و مشارکت سیاسی باشد. در واقع افراد در محیط دانشگاه مبتنی بر آزادی‌شناختی، کسب تجارب و اکتشافات عقلانی با تغییر نگرش درباره سیاست، نفوذ اجتماعی و دانش، مهارت و شناخت سیاسی لازم برای بررسی و درک جهان سیاست را کسب می‌کنند (هزارجریبی، کریمی و فرهادی، ۱۳۹۳؛ Jennings, 2007; Gaiser et al, 2007; Wang and Sun, 2011; Stoker and Bowers, 2009).

۲-۱-۵. سطح ملی

۱-۲-۱-۵. مؤلفه آموزش عالی و مشارکت سیاسی^۱

سومین مؤلفه اصلی از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت یعنی «مشارکت سیاسی» با ابعاد «ترویج باورهای ارزشی مشارکت» و «شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت» شناسایی و ارائه شدند. جامعه مدنی محیطی است که فضیلت مدنی، رفتار شهروندی و سواد سیاسی از مؤلفه‌های اساسی آن محسوب شده و رابطه سیاسی، اجتماعی و حقوقی میان افراد جامعه و مشارکت آنها در سطوح مختلف نظام سیاسی مهم‌ترین ملاک مشروعیت حکومت‌هاست. از این‌رو، دولت‌ها و سیاستگذاران بر مشارکت افراد جامعه در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی با هدف حصول منافع ناشی از مشارکت سیاسی و دستیابی به مشروعیت حاصل از آن تأکید بسیار دارند. نهادهای آموزش عالی و به‌ویژه دانشگاه‌ها از متولیان اصلی آموزش اصول سیاسی به افراد و توانمندسازی آنها برای تربیت و توسعه سرمایه‌های انسانی مولد از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. دانشگاه‌ها با هدف تحقق رسالت‌ها و مأموریت‌ها و جلب حمایت‌های دولتی در سیاستگذاری‌ها و اقدام‌های اجرایی خود،

1. Higher Education and Political Participation

نسبت به سایر نهادهای آموزشی تمایل و تلاش بیشتری برای حمایت، اطلاع‌رسانی، ایجاد انگیزه و فراهم کردن فرصت مشارکت سیاسی برای افراد جامعه دارند و عملاً در برانگیختن نسل آتیه‌دار جامعه برای مشارکت در فرایندهای سیاسی مؤثرتر عمل می‌کنند. از جمله تلاش‌های مؤثر دانشگاه‌ها در این خصوص ایجاد، هدایت و راهبری تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی است که با رویکرد توسعه اندیشه‌های سیاسی و شناخت، درک، تمرین و توسعه آگاهی، دانش و مهارت‌های سیاسی در دانشجویان انجام می‌گیرد (Turner, 2005; Hillygus, 2005؛ آشتیانی، ۱۳۸۴).

۲-۱-۵. مؤلفه آموزش عالی و توسعه پایدار^۱

«توسعه پایدار» مشتمل بر ابعاد «چابکی علمی»، «انتظام دانایی‌محور امور اقتصادی - اجتماعی»، «بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری» و «راهبری خدمات پایداری» به‌عنوان چهارمین مؤلفه اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت‌شناسایی و ارائه شده است. ارتباط بین آموزش عالی و توسعه پایدار موضوعی قابل تأمل و چندساحتی است. در واقع دانشگاه‌ها به‌منظور تأمین مالی، تأیید و حمایت قانونی و دولت‌ها به‌منظور دستیابی به اهداف قدرت در ابعاد متنوع آن، به یکدیگر وابسته هستند. در این راستا یکی از ابعاد محوری، توسعه پایدار ناظر به ابعاد و اهداف متنوع اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثرسازی رفاه افراد جامعه با حفظ منافع نسل‌های آینده در برآورده ساختن نیازهای آنهاست. در چنین شرایطی، توسعه رویکردهای علمی در بستر نهادهای دانشگاهی به‌عنوان ابزار اصلی توسعه مرزهای دانش و تجربه و دستیابی جوامع به برتری و رفاه اقتصادی، رفع نیازها و توسعه ارزش‌های اجتماعی جامعه حائز اهمیت بسیار است. در چنین شرایطی انتظار است، نظارت و پایش امور دانشگاه‌ها از سوی

1. Higher education and Sustainable Development

دولت‌ها مبتنی بر کارایی و کیفیت تأمین منابع مالی، تخصیص بودجه علمی و بودجه عمومی دانشگاه و ایجاد شرایط لازم برای تحقق نظام تحول و نوآوری باشد به‌گونه‌ای که برنامه‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها در چارچوب رویکردهای بین‌رشته‌ای و فرارشته‌ای، تقویت شبکه‌ها، همکاری‌ها و مشارکت‌های علمی، بازنگری برنامه‌های درسی و دوره‌های آموزشی موجود، فضا سازی برای ارائه برنامه‌های نوین محافظت از محیط زیست با مشارکت و حمایت سازمان‌یافته، ارائه خدمات به جوامع محلی، ملی و بین‌المللی با اتکا بر ابعاد مسئله‌محور، توسعه دانش مفهومی، دانش روش‌شناختی و توانایی ارتباط میان دانش و عمل و مهارت‌های بین‌فردی و جمعی، زمینه تربیت دانشجویان خلاق و عاملان تغییر برای کمک به ایجاد جوامع متعالی و توسعه‌یافته را فراهم سازد (صالحی و پازوکی‌نژاد، ۱۳۹۳؛ علی‌بیگی و قمبرعلی، ۱۳۸۹؛ Chiang, 2004; Schmidt and Langberg, 2007; Armbruste, 2008; Leisyte and Dee, 2014; Fumasoli, Gorritzka and Maassen; 2012).

۳-۱-۵. سطح فراملی

۳-۱-۵-۱. مؤلفه آموزش عالی و توسعه سیاسی^۱

در نهایت مؤلفه پنجم از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت به «توسعه سیاسی» با ابعاد «بازتولید نظام توسعه علمی»، «تقویت ساختارهای تبدیلی توسعه» و «تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه» اشاره دارد. توسعه سیاسی به مفهوم ایجاد تغییرات اثربخش در فرهنگ و ساختار سیاسی، فرایندهای انتقالی نوسازی اجتماعی و اقتصادی و حرکت از یک نظام حقوقی مقدماتی به یک نظام حکومتی نوین و توسعه‌یافته در چارچوب ساختارهای تحلیلی مطلوب است که

1. Political Development

می‌تواند به افزایش نامحدود ظرفیت جوامع و نیروهای انسانی جامعه برای تغییر مداوم و سازگاری با تغییرات و تحولات و حل مسائل اجتماعی منجر شود. در این راستا، نهادهای آموزشی به‌ویژه دانشگاه‌ها به‌عنوان هسته اصلی سازوکار دولت در جریان توسعه ملی و سیاسی می‌کوشند از مسیر ارائه آموزش‌های تخصصی، بهره‌مندی از اصول و رویکردهای یادگیری توسعه‌محور و فرایندهای فراشناختی برای هماهنگی با موقعیت‌های جدید و ارتقا و تجدید دانش در دنیای دانش‌محور متحول و پویای کنونی، فراهم کردن فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر و مستمر، تحول و تداوم ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی، ایجاد زمینه تعامل و مشارکت مؤثر دولت با شهروندان و تسهیل عملکرد متقابل آنها و فراهم ساختن فرصت تربیت سرمایه‌های انسانی و شهروندان جهانی با ارزش‌های مردم‌سالار، اثربخش‌ترین و باکیفیت‌ترین دستاوردها را حاصل کنند. به همین دلیل، اگرچه ایجاد، حفظ، نگهداری و توسعه نهادهای آموزشی به‌ویژه نهادهای آموزش عالی دشوار و پرهزینه است، اما این نهادها همواره از سوی دولتمردان و سیاستگذاران مورد حمایت قرار گرفته‌اند (خواجه سروی، ۱۳۹۴؛ اخوان کاظمی، ۱۳۸۳؛ Hagopian, 2000; Altbach and Salmi, 2001; Delanty, 2008; Kukeyeva, Delovarova and Ormyshevac, 2014).

بدین ترتیب، با عنایت به دستاوردهای حاصل، مبانی سیاسی آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت، معلول وجوه محوری توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار است. از آن میان، توسعه شهروندی و جامعه‌پذیری سیاسی می‌توانند به‌عنوان مؤلفه‌های بنیادی‌تر تلقی شوند که سایر مؤلفه‌های شناسایی شده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. این بدان دلیل است که آموزش اصول مدنی به نسل جوان جامعه زمینه کسب دانش سیاسی و التزام به دانش سیاسی را در آنها ایجاد کرده و توسعه می‌دهد. در ادامه شهروندان آموزش‌دیده

در بستر اجتماع، آموخته‌ها و دانش سیاسی خود را در جریان جامعه‌پذیری سیاسی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهند. افزایش سواد سیاسی انگیزه مشارکت آگاهانه در فعالیت‌های مدنی و سیاسی را در افراد افزایش می‌دهد و به حضور بیشتر آنها در فرایندهای سیاسی، به مشروعیت نهاد سیاست و در نتیجه دستیابی به اهداف رشد و توسعه سیاسی منجر می‌شود. در نهایت مجموعه شایستگی‌ها و توانمندی‌های سیاسی شکل گرفته و توسعه یافته در نسل جوان جامعه، بستر دستیابی به توسعه پایدار را در سطح نهاد دانشگاه، نظام آموزش عالی و سطح کلان جامعه در راستای اهداف سیاستگذاران و دولتمردان محقق می‌سازد. در ادامه با عنایت به دستاوردهای حاصل، پیشنهادهای مقتضی ارائه شده است.

۲-۵. بحث و تفسیر یافته‌های کمی

در بخش کمی، با هدف بررسی وضعیت اهمیت و اولویت مؤلفه‌های مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران شامل توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی، توسعه پایدار، توسعه سیاسی که به ترتیب شامل تعداد ۱۶ بُعد و ۱۱۰ شاخص هستند نشان می‌دهد با توجه به تعداد ارجاعات ابعاد مؤلفه‌های اصلی توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی، توسعه پایدار، توسعه سیاسی به ترتیب، بُعد توسعه روحیه مشارکت و راهبری امور شهروندی با شش ارجاع، بُعد تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا با هشت ارجاع، بُعد شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت با پنج مورد ارجاع، بُعد بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری با هفت ارجاع و در نهایت بُعد تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی با هفت ارجاع، از اولویت بیشتری نسبت به سایر ابعاد مؤلفه‌های پنج‌گانه مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی برخوردار بودند. همچنین با همان ترتیب مؤلفه‌های اصلی ابعاد بازتدوین آموزش شهروندی با چهار ارجاع، بازتولید سرمایه‌های انسانی مولد و

راهبری جامعه‌پذیری نهادی با سه ارجاع، ترویج باورهای ارزشی مشارکت با چهار ارجاع، چابکی علمی با پنج ارجاع و بازتولید نظام علمی توسعه سیاسی با سه مورد ارجاع، از اولویت کمتری نسبت به سایر ابعاد مؤلفه‌های پنج‌گانه مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی برخوردار بودند.

باین حال، از آنجاکه در بررسی اولویت ابعاد و مؤلفه‌های یک سازه، تعداد ارجاعات به‌تنهایی برای قضاوت تعیین‌کننده و کافی نیست، وزن اختصاص یافته به ابعاد متنوع در منابع علمی و مرور نظام‌مند آنها مورد محاسبه و ارزیابی قرار گرفته است. برای لحاظ کردن وزن و تأکیدی که در منابع علمی برای هر یک از ابعاد و مؤلفه‌ها لحاظ شده است، از معادله ریاضی ضریب اهمیت شانون استفاده شده است. اثرگذاری تأکید و وزن منابع علمی در تعیین اولویت مقوله‌ها، در تغییر نتایج تحلیل‌های حاصل از اجرای آنتروپی شانون به تعداد ارجاعات در برخی از ابعاد مؤلفه‌های پنج‌گانه مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی مشهود است. از جمله در خصوص مؤلفه اصلی توسعه شهروندی، بُعد نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق‌محور از اولویت بیشتری (با تعداد پنج ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۳۵) نسبت به توسعه روحیه مشارکت و راهبری امور شهروندی (با تعداد شش ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۳۲) برخوردار شد. در خصوص مشارکت سیاسی، بُعد ترویج باورهای ارزشی مشارکت (با چهار ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۵۲) نسبت به شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت (با پنج ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۴۸) از اولویت بیشتری برخوردار شد. همچنین در خصوص مؤلفه اصلی توسعه سیاسی بُعد تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی (با چهار ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۳۵) نسبت به تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی (با هفت ارجاع و ضریب اهمیت ۰/۳۳) از اولویت بیشتری برخوردار شد. مهم‌ترین مقوله مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران، توسعه پایدار با ضریب اهمیت ۰/۲۳ است

که در منابع علمی تعداد ارجاعات آن به ۲۴ مورد رسیده است، و مقوله مشارکت سیاسی با ضریب اهمیت ۰/۱۷ و تعداد ۹ مورد ارجاع، از اولویت کمتری نسبت به سایر مؤلفه‌های پنج‌گانه برخوردار بود.

بدین ترتیب در پژوهش حاضر برای اولین بار از روش کیفی مرور نظام‌مند و فراترکیب اسناد علمی و روش کمی آنتروپی شانون برای شناسایی، وزن‌دهی و اولویت‌بندی شاخص‌ها، ابعاد و مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران استفاده شده است. از این رو می‌توان دید جامع و یکپارچه‌ای از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران در اختیار سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان توسعه برنامه‌های آموزش عالی قرار دهد.

۶. جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آموزش عالی یکی از پویاترین نهادهای جامعه است که ضمن تأثیرپذیری از جامعه و امور مختلف آن، به راهبری و هدایت مؤثر، آگاهانه و هدفمند آنها ملزم است. نقش بی‌بدیل و تأیید شده نظام‌های آموزش عالی در چارچوب کارکردهای سه‌گانه و محوری آموزش، پژوهش و ارائه خدمات فنی و مشاوره‌ای در رشد و توسعه پویا و پایدار جوامع باعث شده است، دولت‌ها و نهادهای سیاستگذار در راستای توسعه و پویایی این بخش از نظام آموزشی هزینه‌های هنگفتی را در سطح ملی و خصوصی اختصاص دهند. البته دولت‌ها به موازات حمایت از نظام آموزش عالی، مطالبه‌گران اصلی این نظام در راستای دستیابی به سیاست‌ها، مأموریت‌ها و اهداف خود هستند. بدین جهت، آگاهی و شناخت انتظارات سیاسی دولت از نظام آموزش عالی، برای سیاستگذاران، تصمیم‌گیرندگان و مدیران نظام آموزش عالی فرصت مؤثری را برای جلب حمایت‌های دولت فراهم می‌سازد.

با این وصف، در پژوهش حاضر دو اقدام محوری در خصوص شناسایی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی مورد نظر قرار گرفت. در مسیر اول، با استناد به مطالعات و تلاش‌های علمی و نظریات مرتبط با موضوع پژوهش و با در نظر گرفتن ابعاد متنوع، پیچیده و چند سطحی کارکردهای سیاسی نظام آموزش عالی، مجموعه‌ای از منابع کلیدی معتبر انتخاب شدند و ضمن مرور نظام‌مند و کاربست روش فراترکیب با واکاوی و تحلیل متون دستاوردهای کیفی مطالعات منتخب، مفاهیم پایه، ابعاد و مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی حاصل شد. علاوه بر این، با کاربست روش تحلیل کمی آنتروپی شانون ابعاد و مؤلفه‌های مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران، وزن‌دهی و سنجش و اولویت تعیین شد. با انجام تحلیل‌های کیفی و کمی نتایج کلیدی ذیل حاصل شد:

- حاصل غربالگری و مقوله‌بندی تعداد ۱۱۰ شاخص شناسایی شده برای سازه مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران، ارائه ۱۶ بُعد در چارچوب پنج مؤلفه اصلی: ۱. توسعه شهروندی با ابعاد بازتدوین آموزش شهروندی، توسعه روحیه مشارکت و راهبری امور شهروندی و نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق محور؛ ۲. جامعه‌پذیری سیاسی با ابعاد: بازتولید سرمایه‌های انسانی مولد، راهبری جامعه‌پذیری نهادی، تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا و خودتنظیمی تعهدگرا؛ ۳. مشارکت سیاسی با ابعاد: ترویج باورهای ارزشی مشارکت، شکل‌دهی جهت‌گیری‌های ایدئولوژیکی مشارکت؛ ۴. توسعه پایدار با ابعاد: چابکی علمی، انتظام دانایی محور امور اقتصادی - اجتماعی، بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری، راهبری خدمات پایداری؛ ۵. توسعه سیاسی با ابعاد: بازتولید نظام علمی توسعه سیاسی، تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی و تقویت سازوکارهای تحلیلی توسعه سیاسی بود.

- نتایج به‌دست آمده از اجرای آزمون آنتروپی شانون مشخص کرد که مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار، توسعه شهروندی، جامعه‌پذیری سیاسی، توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی به‌ترتیب از اولویت اول تا پنجم در مبانی سیاسی آموزش عالی برخوردارند. همچنین از مجموع وجوه ابعاد شناسایی شده برای مبانی سیاسی آموزش عالی، ابعاد نهادینه‌سازی قانونگرایی اخلاق‌محور، تعمیق جامعه‌پذیری هویت‌گرا، ترویج باورهای ارزشی مشارکت، بازتدوین و روزآمدسازی آموزش پایداری، تقویت ساختارهای تبادلی توسعه سیاسی از اولویت بیشتری نسبت به سایر ابعاد مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی برخوردار بودند.

از این‌رو در راستای دستاوردهای پژوهش، ارتقا و بهبود مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران با تأکید بر انتظارات دولت، پیشنهادهای ذیل ارائه شده است:

- پیشنهادهای سیاستی و مدیریتی

نخست، با توجه به دستاورد پژوهش مبنی بر توجه کمتر پژوهش‌ها و مطالعات علمی مرتبط با عرصه مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی به مؤلفه‌های مشارکت و توسعه سیاسی و درعین‌حال، نقش بی‌بدیل این ابعاد به‌ویژه مشارکت سیاسی در گسترش آگاهی، دانش و مهارت تحلیل رویدادهای کلان جامعه از سوی سرمایه‌های انسانی نظام آموزش عالی اعم از دانشجویان، اعضای هیئت علمی، مدیران و ...، فراهم ساختن بستر و تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی و قانونی از تأمین امنیت اجتماعی هویت‌محور در جامعه‌پذیری سیاسی برای سرمایه‌های انسانی دانشگاه با هدف ترویج روحیه مشارکت و توسعه سیاسی، تمرکز و تأکید دولت بر توسعه عدالت آموزشی و حصول به دستاورد محوری آموزشی آن یعنی ایجاد انگیزه هدایت برنامه‌های آموزشی و درسی و تلاش اعضای هیئت علمی بر شفاف‌سازی موقعیت‌ها و ایجاد فرصت مشارکت و آزادی بیان به دانشجویان برای تقویت فرهنگ

جامعه‌پذیری و مشارکت سیاسی، از جمله اقدام‌های پیشنهادی در راستای ارتقای دانش، مهارت و تمایل آگاهانه سرمایه‌های انسانی دانشگاه‌ها برای مشارکت در رویدادهای سیاسی است.

از سوی دیگر، جامعه‌پذیری سیاسی و توسعه شهروندی دو مؤلفه‌ای هستند که به لحاظ اولویت در میانه مؤلفه‌های شناسایی شده در پژوهش حاضر قرار گرفته‌اند و نگاه پژوهشگران به این وجوه از مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی نسبت به توسعه پایدار کم‌رنگ‌تر بوده است. این در حالی است که بدون تردید، تحقق توسعه پایدار و البته رشد و توسعه مشارکت سیاسی، مستلزم توسعه آگاهی و دانش شهروندی و ارتقای مهارت‌های جامعه‌پذیری سیاسی است. بدین ترتیب، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی راهبردی با هدف ارتقا احساس دلبستگی و تعلق ملی در میان دانشگاهیان به‌ویژه از طریق زمینه‌سازی برای مشارکت اجتماعی در برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی نظام آموزش عالی با همراهی نهاد دولت، به‌منظور ارتقای سواد توسعه شهروندی و جامعه‌پذیری سیاسی در نهادهای هسته‌ای نظیر نهاد خانواده، فراهم کردن فضای مناسب برای رشد تشکل‌های دانشگاهی با هدف ایجاد و توسعه فرصت‌های کسب تجارب زیسته مشارکت در فعالیت‌های سیاست‌محور به‌منظور ارتقای سطح آگاهی سیاسی جامعه دانشگاهیان، تدارک برنامه‌ها و تصمیمات رهنمودی برای ابراز وجود و کنشگری دانشجویان در مدیریت اجتماعی و فرهنگی دانشگاه و تقویت احساس اثربخشی و امید به آینده اثرگذار در آنها و برنامه‌ریزی و مدیریت آموزش‌های چندفرهنگی با هدف دستیابی به دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز برای انجام وظایف در یک جامعه چندفرهنگی مدنی و اخلاقی، از جمله پیشنهادهایی است که می‌تواند در راستای ارتقا و بهبود شاخص‌های مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی و عملیاتی‌سازی آنها یاریگر باشد.

نکته آخر اینکه، براساس دستاوردهای پژوهش مؤلفه توسعه پایدار بیش از سایر وجوه مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت در مطالعات پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است، با اذعان به اینکه دستیابی به توسعه پایدار، قله مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با توجه به انتظارات دولت است، با هدف گسترش و توسعه بهینه‌تر فرصت‌های عملیاتی و اثربخش تبدیل دانش و اصول نظری به رویکردهای راهبردی و عملیاتی در راستای دستیابی به توسعه پایدار اقدام‌هایی نظیر تمرکز و تأکید بر بازبینی و توسعه نظام ارزشیابی علمی اعضای هیئت علمی و دانشجویان و هدایت آن به سمت کیفیت‌گرایی، تقویت شبکه‌ها، همکاری‌ها و مشارکت‌ها، ارتباطات و تعاملات علمی بین‌المللی، هدایت اقدام‌های مثبت زیست‌محیطی برای تحقق و پیشبرد توسعه پایدار از سوی دانشگران دانشگاهی با محوریت برنامه‌ریزی و حمایت‌های علمی و فناورانه، مالی و قانونی دولت، تدوین و اجرای سیاستگذاری و برنامه‌ریزی تعاملی بین دولت و دانشگاه در جهت کاهش وابستگی و هدایت عقلایی و هدفمند مناسبات دانشگاه با صنعت، پیشنهاد می‌شود.

- پیشنهادهای کاربردی

در راستای انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود، پژوهشگران با هدف دستیابی به دستاوردهای غنی‌تر و عملیاتی‌تر با استفاده از روش پدیدارشناسی و ابزار مصاحبه با خبرگان، به شناسایی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با تأکید بر انتظارات دولت بپردازند و نتایج حاصل را با دستاوردهای مطالعات علمی نظیر دستاورد این پژوهش قیاس کنند، بدین ترتیب الگوهای تطبیقی نظام‌مندی مبتنی بر مبانی نظری و تجارب زیسته حاصل می‌شود که می‌تواند ابزار علمی - فنی اثربخشی برای مطالعات این عرصه باشد.

همچنین پیشنهاد می‌شود در چارچوب الگوی پژوهش، وضعیت کمیت و کیفیت وجود

و اجرای مبانی سیاسی - اجتماعی نظام آموزش عالی با استناد به داده‌های کمی و واقعی حاصل از عملکرد نهادهای آموزش عالی ایران و اطلاعات ثبت شده در پایگاه‌های داده‌ای معتبر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و از دستاوردهای حاصل برای انجام برنامه‌ریزی‌های راهبردی توسعه‌ای و ترمیم‌محور و راهبری امور در این عرصه استفاده شود.



منابع و مآخذ

۱. آرایش، منصور و محمدتقی شیخی (۱۳۹۹). «بررسی رابطه آموزش شهروندی و توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی شهر اردبیل)»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۱۰ (۳۴).
۲. آشتیانی، ملیحه (۱۳۸۱). «تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴ (۳).
۳. آهن‌چیان، محمدرضا (۱۳۹۱). «آمایش آموزش عالی و سیاست‌های توسعه علم و فناوری کشور: تحلیل گسست براساس تجربه‌نگاری»، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*، ۵ (۱).
۴. اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۸۳). «آموزش عالی و توسعه سیاسی پایدار»، *مجموعه مقالات همایش آموزش عالی و توسعه پایدار*، جلد اول، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
۵. اکبری، احمد، جواد دیهیم، مریم دهنوی (۱۳۹۵). «نقش سیاست‌های آموزش عالی در تحقق برنامه‌های توسعه پایدار»، *فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری*، ۲ (۳).
۶. امام جمعه‌زاده، جواد و زهره مرنندی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، *مجله دانش سیاسی و بین‌المللی*، ۱۱ (۱).
۷. پروین، احسان، سعید غیائی‌ندوشن و شراره محمدی (۱۳۹۳). «ارائه مدل مفهومی رابطه بین کیفیت برون‌داد آموزش عالی و توسعه پایدار براساس رویکرد سیستمی»، *پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، ۱ (۱).
۸. پورسلیم، عباس، محبوبه عارفی و کوروش فتحی‌واجارگاه (۱۳۹۸). «مدل ادراک و نگرش معلمان، متخصصان و اساتید دانشگاه نسبت به برنامه درسی تربیت شهروند جهانی در دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران»، *فصلنامه علمی پژوهشی تدریس‌پژوهی*، ۷ (۱).
۹. پیربابایی، محمدتقی و محمد سلطان‌زاده (۱۳۹۴). «مقدمه‌ای بر صورت‌بندی میدان معماری معاصر ایران براساس نظریه میدان بوردیو»، *نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ۲۰ (۲).
۱۰. جلالی، محمد و کیومرث قنبری (۱۳۹۹). «تبیین معیارهای مطلوب استقلال دانشگاهی و آثار

- آن بر آموزش عالی ایران از منظر حقوقی»، مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۱۳ (۲۴).
۱۱. جوکار، اسماعیل، نجمه مولایی و مسعود بهبود (۱۳۹۵). «نقش دانشگاه فرهنگیان در توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه»، کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری، تهران <https://civilica.com/1/8610/>.
۱۲. چیلگوت، رونالد (۱۳۹۰). نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۳. حسینی، محمد و عبدالطیف کر (۱۳۹۷). «تبیین اجتماعی سیاست‌های آموزش عالی با تأکید بر توسعه پایدار در ایران»، فصلنامه جهان نوین، ۱ (۳).
۱۴. حیدری، علیرضا (۱۳۹۹). «کارکردهای سیاستگذاری آموزشی در نظام تعلیم و تربیت»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاستگذاری عمومی، ۶ (۱).
۱۵. خرم‌شاد، محمدباقر و فرزاد سوری (۱۳۹۸). «نقش سرمایه اجتماعی در جامعه‌پذیری سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران)»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۸ (۲۹).
۱۶. خواجه سروری، غلامرضا (۱۳۷۸). «جامعه‌پذیری سیاسی در نسل جوان و ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ۵ و ۶.
۱۷. _____ (۱۳۹۴). «عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶ (۴).
۱۸. راد، سیدابراهیم، علیرضا فقیهی، فائزه ناطقی و مهدی معینی‌کیا (۱۳۹۷). «طراحی چارچوبی برای شناسایی و دسته‌بندی مؤلفه‌های آموزش عالی پایدار در ایران»، فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ۶ (۱).
۱۹. رزاق مرندی، هادی (۱۳۹۱). «استقلال نهادی اثربخش دانشگاه‌های دولتی ایران: ضرورت پویای در فضای جهانی شده»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۴ (۲۰).

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران؛ ... — ۴۸۹

۲۰. زنگنه‌نژاد، معینی، نسترن حاجی حیدری و عادل آذر (۲۰۲۱). «چارچوب تدوین مدل کسب‌وکار پلتفرم:

یافته‌ای مبتنی بر فراترکیب»، پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۲۵ (۱).

۲۱. ساعدموچشی، لطفاله، جمال سلیمی و نعمت‌اله عزیزی (۱۳۹۸). «مطالعه مفهوم و ابعاد شهروندی

دانشگاهی در نظام آموزش عالی ایران؛ دلالت‌هایی در برنامه‌ریزی آموزشی»، دو فصلنامه مطالعات

برنامه‌ریزی آموزشی، (۱۶) ۸.

۲۲. سلطانی، امید (۱۳۹۰). «ارزیابی رابطه برنامه‌ریزی راهبردی با انعطاف‌پذیری مؤسسات آموزش عالی

(مطالعه موردی دانشگاه شهید بهشتی)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه علامه

طباطبایی.

۲۳. سمیعی اصفهان، علیرضا (۱۳۹۸). «نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی، دانشجو و امنیت اجتماعی»،

فصلنامه دانش انتظامی پلیس استان مرکزی، ۹ (۳).

۲۴. شاه‌طالبی، بدری، آذر قلی‌زاده و سعید شریفی (۱۳۸۹). «تدوین مؤلفه‌های فرهنگ شهروندی در

حیطه ارزش‌ها و هنجارها برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی»، فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت

آموزشی، ۱ (۳).

۲۵. شریعتی، سارا و کوشا وطن‌خواه (۱۳۹۲). «نحوه کاربرد نظریه میدان بورديو در مطالعه معماری مدرن

ایران (گفتار در جامعه‌شناسی هنر پی‌یر بورديو)»، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۲ (۵).

۲۶. شهبازی، آرامش و مجید رضا مؤمنی (۱۳۹۶). «نقش نظام آموزش عالی در پیوند میان توسعه علم و

تحکیم صلح»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱ (۲۴).

۲۷. شهریار، حیدر (۱۳۹۴). «مقایسه مشارکت سیاسی دانشجویان علوم انسانی با سایر گروه‌های تحصیلی

(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)»، ۵ (۳۸).

۲۸. صالحی، صادق و زهرا پازوکی‌نژاد (۱۳۹۳). «آموزش عالی پایدار و پایداری محیط زیست»، فصلنامه

انجمن آموزش عالی ایران، ۶ (۲).

۲۹. طاهری، سیدمجتبی و علی دارابی (۱۴۰۰). «بررسی مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کتاب‌های درسی

- دوره اول و دوم متوسطه (۱۳۹۵-۱۳۹۴)»، فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۷ (۱).
۳۰. علمی، محمود (۱۳۸۷). «جنسیت، آگاهی سیاسی و مشارکت سیاسی دانشجویان»، زن و مطالعات خانواده، ۱ (۱).
۳۱. علی‌بیگی، امیرحسین و رضوان قمبرعلی (۱۳۸۹). «ارائه الگویی مفهومی برای آموزش عالی پایدار»، پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۴ (۹).
۳۲. غنچی، مستان، محمود حسینی و یوسف حجازی (۱۳۹۱). «تحلیل عاملی مؤلفه‌های مدیریتی تأثیرگذار بر کیفیت آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیئت علمی پردیس‌های کشاورزی دانشگاه تهران»، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۵ (۲).
۳۳. فتاحی، مهدی (۱۳۸۷). «گفتمان قدرت در اندیشه میشل فوکو»، دانشنامه، ۱ (۴).
۳۴. فرهمند، مهناز (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی جامعه‌شناسی علم بوردیو و رویکرد کنشگر - شبکه فلسفه علم»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱ (۳).
۳۵. فیضی، سینا، پیام احمدیان، محمدسعید مطاعی و یاجد زارعی (۱۳۹۷). «نقش دانشگاه در توسعه فرهنگی و اجتماعی از جنبه آموزش شهروندی، تأثیر آموزش آن بر میزان آگاهی شهروندان از حقوق خود و نیم‌نگاهی به دیدگاه منابع اسلامی»، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، ۱ (۱).
۳۶. قادرزاده، امید، فاطمه شریفی و الناز حسن‌خانی (۱۳۹۸). «مشارکت سیاسی و عوامل مرتبط با آن: مطالعه پیمایشی دانشجویان دانشگاه کردستان»، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، ۷ (۴).
۳۷. قادری، حیدر (۱۳۹۰). «ارزیابی کیفیت برنامه درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی) از نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان دانشگاه کاشان»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه کاشان.
۳۸. قاضی نوری، سروش، حمید کاظمی، سعید روشنی و نیلوفر ردائی (۱۳۹۴). «بررسی اهداف و ابزارهای سیاستی در اسناد مرتبط با علم و فناوری»، فصلنامه سیاست علم و فناوری، ۳ (۸).

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران؛... — ۴۹۱

۳۹. قلتاش، عباس (۱۳۹۱). «مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و

دیدگاه‌های تربیت شهروندی»، پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت، ۲ (۱).

۴۰. قورچیان، نادرقلی و فرهاد افتخارزاده (۱۳۸۵). «ارائه مدلی جهت تربیت شهروند حرفه‌ای در نظام

آموزش عالی کشور در هزاره سوم»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد و مدیریت، ش ۷۰.

۴۱. کریمیان، زهرا، جواد کجوری، فرهاد لطفی و میترا امینی (۱۳۹۴). «مدیریت دانشگاهی و پاسخگویی؛

ضرورت استقلال و آزادی علمی از دیدگاه اعضای هیئت علمی»، مجله آموزش در علوم پزشکی، ۸ (۱۱).

۴۲. گلشنی، مریم، بدیع‌الزمان مکی آل‌آقا و علاءالدین اعتماد اهری (۱۳۹۹). «طراحی الگوی برنامه درسی

آموزش شهروندی برای دانش‌آموزان»، فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۴ (۵۱).

۴۳. محمدزاده، امید، سیدهدادی مرجائی، ابوعلی ودادهیر و محمدرضا کلاهی (۱۳۹۹). «جامعه‌پذیری

دانشگاهی: بررسی تطبیقی بین‌دانشگاهی»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۶ (۴).

۴۴. مرادی، فاتح (۱۳۹۴). «بازنمایی ساخت قدرت در فضای دانشگاه؛ با تأکید بر اندیشه فوکو»، پژوهشنامه

علوم سیاسی، ۱۱ (۱).

۴۵. مهدوی، محمدصادق و محمدرضا محمدجانی (۱۳۹۴). «چالش‌های جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان

دختر (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)»، زن در توسعه و سیاست، ۱ (۱۳).

۴۶. مهدیه، عارفه، رضا همتی و ابوعلی ودادهیر (۱۳۹۵). «فرایند جامعه‌پذیری دانشگاهی دانشجویان

دکتری (مورد دانشگاه اصفهان)»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۲ (۱).

۴۷. موسوی‌نژاد، ولی و حمداله اکوانی (۱۳۹۲). «نگرشی تازه به نظریه توسعه: خودسازمان‌یابی توسعه (گذار

از نظریات نوسازی و وابستگی به نظریه آشوب و خودسازماندهی)»، دومین کنفرانس الگوی اسلامی

ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت مرکز الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت.

۴۸. نادری، ناهید، رضاعلی نوری و علی سیادت (۱۳۹۵). سیاستگذاری در آموزش و پرورش، چاپ دوم،

اصفهان، انتشارات یار مانا.

۴۹. نظری، غنی، حسین بشیری گیوی و سعید جنتی (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه

- سیاسی»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۱ (۶).
۵۰. نیک‌پور قنواتی، لیلا، مهدی معینی و حبیب احمدی (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی»، فصلنامه علمی - پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، ۱ (۳).
۵۱. هاشمی، سهیلا، ابراهیم صالحی عمران و رقیه ولی‌پور خواجه‌غیاثی (۱۳۸۷). «بررسی حیطه‌های شهروندی در نظام آموزش عالی از دیدگاه استادان و دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه مازندران)»، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۴ (۱۵).
۵۲. هاشمیان، محمدحسین و عزیزاله خلیلی (۱۳۹۲). «جایگاه خدامحوری در سیاستگذاری عمومی»، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۳ (۲).
۵۳. هزار جریبی، جعفر، غلامرضا کریمی و عباس فرهادی (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر روند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی، ۹ (۳۹).
54. Abs, Hermann J. (2021). "Options for developing European Strategies on Citizenship Education", *European Educational Research Journal*, 20 (3).
55. Almond, G. A. and S. Verba (2000). *The Civic Culture*, Political Culture, Zagreb.
56. Altbach, P. and J. Salmi (2011). *The Road to Academic Excellence: The Making of World-Class Research Universities*, Washington, the World Bank.
57. Armbruster, C. (2008). "Research Universities: Autonomy and Self-reliance After the Entrepreneurial University", *Policy Futures in Education*, 6 (4).
58. Axinn, J. and J.S. Mark (2008). *Social Welfare: A History of the American Response to Need*, (7 th Ed), Boston: M. A. Pearson/Allyn and Bacon.
59. Carlson, Anna and Palmer Charles (2016). "A Qualitative Meta-synthesis of the Benefits of Ecolabeling in Developing Countries", *Ecological Economics*, 127.
60. Chankseliani, Maia and Tristan McCowan (2021). "Higher Education and the Sustainable Development Goals", *Higher Education*, 81.
61. Chiang, L. (2004). "The Relationship Between University Autonomy and Funding in England and Taiwan", *Higher Education*, 48, Retrieved from link.springer.com/article/10.1023/B:HIGH.0000034314.77435.bf.
62. Davvidovitch, Nitza (2014). "Models of Higher Education Governance: A Comparison of Israel and Other Countries Golabal", *Journal of Educational Studies*, 1 (1).

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران؛... — ۴۹۳

63. DeJaeghere, J.G. and L. Tudball (2007). "Looking Back, Looking Forward: Critical Citizenship as a Way Ahead for Civics and Citizenship Education in Australia", *Citizenship Teaching and Learning*, 2-6.
64. Delanty, G. (2008). "The University and Cosmopolitan Citizenship", In *GUNI Higher Education in the World 3*, Palgrave Mcmillan, London.
65. Filzmaier, Peter (2007). "Politische Bildung", Was IST das in: <http://science.orf.at/science/filzmaier/73825> (Stand: 5. 2. 2009).
66. Findler, Florian, Norma Schönherr, Rodrigo Lozano, Daniela Reider and André Martinuzzi (2019). "The Impacts of Higher Education Institutions on Sustainable Development a Review and Conceptualization International", *Journal of Sustainability in Higher Education*, 20 (1).
67. Finfgeld, D.L. (2003). "Metasynthesis: The State of the art - So far", *Qualitative Health Research*, 13 (7).
68. Franco, O., P. Saito, J. Vaughter, N. Kanie Whereat and K. Takemoto (2019). "Higher Education for Sustainable Development: Actioning the Global Goals in Policy, Curriculum and Practice", *Sustainability Science*, <https://doi.org/10.1007/s11625-018-0628-4>
69. Fumasoli, T., A. Gorritzka and P. Maassen (2014). "University Autonomy and Organizational Change Dynamics", *ARENA Working Paper*, Retrieved from www.arena.uio.no.
70. Gacel-Avila, J. (2005). "The Internationalisation of Higher Education: A Paradigm for Global Citizenry", *Journal of Studies in International Education* 9 (2).
71. Gaiser, W., M. Gille, J. de Rijke and S. Sardei-Biermann (2007). "Changes in the Political Culture of Young East and West Germans between 1992 and 2003", Results of the DJI. Youth Survey, *Journal of Contemporary European Studies*, 15 (3).
72. Galston, William A. (2001). "Political Knowledge, Political Engagement and Civic Education", *Annual Review of Political Science*, 4.
73. Hagopian, F. (2000). "Political Development Revisited", *U.S., Sage Publication*.
74. Hicks, M. (2006). "Our Underachieving Colleges: A Candid Look at How Much Students Learn and Why they Should be Learning More", *International Journal of Educational Advancement*, 6(4).
75. Hillygus, D.S. (2005). "The Missing Link: Exploring the Relationship Between Higher Education And Political Behavior", *Political Behavior*, 27 (1).
76. Hong, M.L. (2009). "Brief Discussion on Contemporary University Students' Political Socialization", *Journal of Liaoning Educational Administration Institute*, 3.

77. Horimoto, Mayuko and Sachi Ninomiya-Lim (2020). "Nurturing Citizenship in Higher Education: Public Achievement-style Education at Tokai University", *Educational Studies in Japan: International Yearbook*, 14.
78. Inga, Ž., èa al ènien and Paulo Pereira (2021). "Higher Education for Sustainability: A Global Perspective", *Geography and Sustainability*, 2.
79. Jennings, M. Kent, Stoker Laura and Bowers Jake (2009). "Politics Across Generations: Family Transmission Reexamined", *Journal of Politics*, 71 (3).
80. Kai, Y. (2011). "Analysis and Debugging of the Mechanism of University Students' Political Socialization", *Education Exploration*, 6.
81. Kukeyeva, Fatima, Leila Delovarova and Tolganai Ormyshevac (2014). "Higher Education and Sustainable Development in Kazakhstan, Arad Davard", *Social and Behavioral Sciences*, 122.
82. Leisyte, L. and R.J. Dee (2012). "Understanding Academic Work in a Changing Institutional Environment: Faculty Autonomy, Productivity, and identity in Europe and the United States", *Higher Education Handbook of Theory and Research* 27.
83. Navarro- Medina, Elisa, Nicolas and de-Alba Fernandez (2015). "Citizenship Education in the European Curricula", *Social and Behavioral Sciences*, 197.
84. Noritada, Matsuda (2014). "Can Universities Supply Citizenship Education?", *A Theoretical Insight Japanese Political Science Review*, 2.
85. Okai, O.N. and P. Worlu (2014). "University Autonomy and Academic Freedom: Implication for Nigerian Universities", *International Journal of Scientific Research in Education*, 7 (2).
86. Osler, A. and H. Starkey (2006). "Education for Democratic Citizenship: A Review of Research, Policy and Practice", *Research Papers in Education*, 24.
87. Sandelowski, M., J. Barroso and C.I. Voils (2007). "Using Qualitative Metasummary to Synthesize Qualitative and Quantitative Descriptive Findings", *Research in Nursing and Health*, 30 (1).
88. Schmidt, K.E. and K. Langberg (2007). "Academic Autonomy in a Rapid Changing Higher Education Framework", *European Education*, 39 (4), <http://dx.doi.org/10.2753/EUE>.
89. SEED: Scottish Executive Education Department (2006). "Education for Citizenship", Scotland.
90. Staeheli, L.A. and D. Hammett (2010). "Educating the New National Citizen: Education, Political Subjectivity and Divided Societies", *Citizenship Studies*, 14 (6).
91. Turner, B.S. (2000). "Islam Civil Society on Citizenship: Reflections on the

شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اصلی مبانی سیاسی - اجتماعی آموزش عالی ایران؛ ... — ۴۹۵

Sociology of Citizenship and Islamic Studies”, in N. A Butenschon et al, ed. Citizenship and the State in the Middle East, *Syracuse University Press*.

92. Wang, Z.K. and B. Sun (2011). “Analysis of University Students’ Political Socialization Under the Background of Network Technology”, *The Journal of Yunnan Administration College*, 2.

93. Žalėnienė, I. and P. Pereira (2021). “Higher education for sustainability: A global perspective”. *Geography and Sustainability*, 2(2).

94. Zhu, Z.X. and G.G. Li (2011). “Several Thoughts on Political Socialization of University Students after the 90s”, *Journal of Baoji University of Arts and Science (Social Science Edition)*, 3.

95. Zimmer, L. (2006). “Qualitative Meta-synthesis: A Question of Dialoguing With Texts”, *Journal of Advanced Nursing*, 53 (3).

